

جفر جامع و نور لامع

نگارنده این کتاب حسن میرجانی طباطبائی غفرله گوید بر طالبین جفر پوشیده ننماید که از جمله مواضعی که لغزشگاه مهم و مانع از وصول باسرار حروف است پرنگاه اشتراک حروف است بلکه اگر در بهنگام گرفتن مستحضره بسیار میشود که دو حرف با هم مشترک میشوند هنگام التقاط حروف برای استخراج که گردنه مسبب العبوری است برای او بخوبی متبحر میشوند آنچه را که موفقی شدم برای راه خلاص از این گردنه و حل این مشکل اینست که دو حرف مشبه بحباب بجذب گیرند و با هم جمع کنند و حاصل در خود ضرب کنند و حاصل ضرب را نیز دوباره در خود ضرب کنند و نه نه طرح کنند بعد از طرح هر چه باقی ماند آن حرفی است که اشتراک قبول نمیکند در این قاعده تذکر کن که بسیار قاعده بزرگ صحیحی است هر چند این علم شریف را قواعد بسیاری است و طرق بسیاری و هر کدام از صاحبان این فن بطوری خاص طریقی فرموده و راهی بآن یافته اند و جمع بسیاری هم بدروغ مدعی دانش این علم بوده و هستند و اوراق پاره ای زیادی از خود با خلکی انتشار داده و موجبات سرگردانی بسیاری شده اند که کمتر ضرر آن بهبود یافته و وقت گذرانیدن بوده و هست و از این باب مسئولیت عظیمی گردن گیر آنهاست لکن اصل این علم ربیای صحیحی است که بسیاری از بزرگان به آن دست یافته و از جهت اینکه با دایره احوال نظام و معینه عوام گردد طریقه اخذ مستحضره از آن مخفی داشته اند دست او را شخاص نالایق گردانیدند زیرا که ارباب طمع بسیار و در طریق جهالت بسیارند از امراه حکم المرء عدو لما جهله با کسی که سالک این طریقه نیست بحرم آنکه به آنها تعلیم داده نمیشود و صاحبان این علم را بد فایده گوئی و انتقاد خود قرار میدهند و بگفتی که باشد آری دشمن طاموس پروا بهی اوست حضرت امیر مومنان علیه السلام در جواب استعلام معاویه از آنحضرت میفرماید ان الحكماء کم توها لیکلا یبلا عجب به الناس یعنی حکما کتمان کردند از ما مردمان بآن بازی نکنند و در حال مصطفی و توفیق این کتاب در نظر گرفتم قاعده مضبوطه ای که نتیجه زحمات چندین ساله اینجانب است که براساس محکم علمی استوار و دو تا چهار تا در این باب از خود در صفحه رزرگاریا دکا رگزارم هر چند برخلاف رویه گذشتگان باشد و آن قاعده القالات است که در تشریح و توضیح آن احدی بر من سبقت گرفته و بی پرده سخن نگفته چنانچه شخاص مبدی بهم نه الهجاء ارتباطی دارند این معنی را تصدیق خواهند کرد ولیکن پس از مطالعه و بررسی کردن آنچه که در این کتاب در این باب می نویسم اکنون شرح و بیان این قاعده شریفه را که شتم است بر چهار مقدمه و دو باب و یکجمله بمعرض عرض علاقه مند ان میگدارم غرض نقشی است که ما باین کتاب می بینیم

مُقَدِّمَةُ الْفَرْقِ

بدانکه جفر در زبان اهل فن علمی است که بآن شناخته میشود اتصالات حروف ابجدی نیست
 هست گمانه بیکدیگر برای تحسین ثمرات مجمله و فائده آن دانستن وقایع و حوادث مجمله و امور
 مبهمه است از گذشته و حال و آینده که آنها حاصل نمیشود مگر بدانشن احکام اتصالات حروف
 بیکدیگر و موضوع ان حروف بیت و شگانه ابجدی است

مُقَدِّمَةُ ثَابِتِ

اتصالاتی که در این علم باید دانست و هنگام عمل بکار برد بر سه قسم است اول اتصالات
 کلی جامع در قسم اتصالات عنصری تقسیم اتصالات مرتبه ای و شرح این قسم
 اتصالات در سه فصل بیان خواهد شد فصل اول که اتصالات کلی جامع است که
 که حروف بیت و شگانه ای که بیکدیگر اتصالات پیدا میکنند مشتمل میشود بر مقصد و ثمرات و چهار
 صورت که از ضرب بیت و شگانه در بیت و شگانه حاصل میشود زیرا که حروف ابجد بیت و شگانه
 میباشد و هر یک از آنها بیت و شگانه است اتصالات پیدا میکند لهذا از ضرب بیت و شگانه در خود
 حاصل ضرب مقصد و ثمرات و چهار میشود و بهین جهت است که این اتصالات را اتصالات کلی
 جامع میگویند - برای اینکه عدد آن معلوم باشد و هنگام عمل معطل نمائی بجدول زیر نظر نما

ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح
۲۱	۵۴	۸۴	۱۱۲	۱۴۰	۱۶۸	۱۹۶	۲۲۴
ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع
۲۵۲	۲۸۰	۳۰۸	۳۳۶	۳۶۴	۳۹۲	۴۲۰	۴۴۸
ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ
۴۷۶	۵۰۴	۵۳۲	۵۶۰	۵۸۸	۶۱۶	۶۴۴	۶۷۲
	ذ	ض	ص	ظ	ع		
	۷۰۰	۷۲۸	۷۵۶	۷۸۴			

و نیز برای سهولت در عمل جدول طرح درجی اتصال کلی را نوشتم تا واضح باشد

۱	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
۲۱	۲۶	۲۴	۲۲	۲۰	۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰
ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر
۱	۶	۴	۲	۳۰	۲۸	۲۶	۲۴	۲۲	۲۰
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ		
۱۸	۱۶	۱۴	۱۲	۱۰	۸	۶	۴		

اتصال کلی دو طرح دارد یکی طرح درجی یکی طرح منازلی چنانچه شرح داده خواهد شد
برای سهولت و آسانی عمل جدول طرح منازلی هم در صفحه پشت شرح داده میشود در نظر بگیرید

جدول طرح منازلی

۱	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر
۲۰	۲	۱۲	۲۲	۴	۱۴	۲۴	۳۴	۱۶	۴
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ		
۲۰	۸	۲۴	۱۲	۲۸	۱۶	۴	۲۰		

این دایره و دایره ای پشت این صفحه در اتصال جامع کلی بکار میاید برای طرح درجی و منازلی

دایره طبعی

التی	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
بادی	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
الی	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ
خاکی	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

این دایره در اتصال طبعی بکار میاید و طرح آن طرح افلاکی است

فصل سوم

باید دانست هر حرفی که بحرف دیگر متصل شود باعتبار طبیعی که دارند احکامی برای آنهاست که باید که باید استخراج آنها را بدانند تا در وقت عمل سرگردان ننهند و این اتصال را اتصال طبعی و غرضی گویند زیرا که حروف میث و تشکانه هفت حرف از آن آتشی و هفت حرف بادی و هفت حرف آبی و هفت حرف خاکینند که در هر املی بالا از آن تکمیل داده شده و آنها از ضرب چهار در چهار شانزده صورت حاصل ضرب پیدا میکنند باعتبار مماثل بودن و موافق بودن و مخالف بودن و ضد و نقیض بودن فلذا بواسطه اختلافی که دارند بعضی طالب و مطلوب و بعضی موافق و بعضی ضد و نقیض و بعضی مخالف با یکدیگرند برای مزید آگاهی جدول آئینده را در صفحه دست چپ ترسیم نمودم

جدول طبایع حروف بنا همدیگر							
آتش و آب	باد و باد	آب و آب	خاک و خاک	آتش و باد	باد و آتش	آب و خاک	خاک و آب
موافق	موافق	موافق	موافق	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب	طالب و مطلوب
آتش و خاک	خاک و آتش	باد و آب	آب و باد	آتش و آتش	آب و آب	باد و خاک	خاک و باد
مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	ضد و نقیض	ضد و نقیض	ضد و نقیض	ضد و نقیض

فصل سوم

از جمله آنچه که برای استخراج در این قاعده لازم است دانستن آن احکام اتصال مرتبه است و آن عبارت است از اتصال آحاد با آحاد و عشرات با عشرات و مئات با مئات و الف با الف و این مراتب چهارگانه بچهار قسمت منقسم میشوند و از ضرب چهار در چهار شانزده صورت حاصل ضرب میشود و احکام هر یک از اتصالات ذکر کرده خواهد شد ان شاء الله تعالی شأنه

مقدمه چهارم

در کیفیت و آداب سؤال کردن و آن ششگون است بر چند امر اول سؤال را با رعایت روز یا شبی که سؤال میشود بنام مکان سؤال بحروف مقطعه بنویس همه را در یک خط ردیف خود با کلمات حروف که این عمل را اهل این فن در اصطلاح خود در قسم گویند در قسم رستم هندسی هر یک را بحباب ایجاد گیر در زیر آن مرتب بنویس پس از آن همه اعداد در قهرا را جمع کن این حاصل جمع را مدخل یکدی بنامند سپس اعداد در قهرا حروف سؤال را تترتیل

بده یعنی عشرات حروف آن را در ده با حاد کن و مئات را در ده عشرات کن و الف را در ده با ت
 کن چهارم هر یک از اعداد ارقام حروف را بزیاد کردن یکمرتبه ترقی بده و آنرا جمع کن و
 حاصل آن جمع را مدخل وسط بنامند لکن باید رقمهای اعدادی که در گرفتن مدخل صغیر نازل
 داده شده بحالت قبل از نازل گذارد یعنی اگر از عشرات بوده بهمان حال باقی باشد و اگر از
 مئات بوده بحال مائتی باقی باشد و اگر الف دارد چون قابل نازل نیست آن را در حساب کرد
 و آنچه در مدخل صغیر بهمان احوال باقی بوده آنرا نیز ترقی باید داد پنجم پس از آن دو
 حاصل جمع اعداد مدخل صغیر را با حاصل جمع اعداد مدخل وسط را جمع کن حاصل جمع
 این دو مدخل را مدخل کبیر گویند ششم پس از آن اعداد چهار مدخل را بترتیب
 کن پس از استطاق و مفوضی کردن آن اعداد هفتم کمرات سطر سوال را که
 سطر اول عمل بوده بیدار و آنچه غیر کمرات است به آخر سطر استطاق ملحق کن و همه را
 یکسره کن بترتیب این سطر را سطر اساس گویند تا اینجا همه مقدمه بود برای تشکیل
 این سطر هشتم بعد از اینکه سطر اساس را منظم کردی در زیر هر حرفی از آن نظیره
 ابجدی آن حرف را بنویس و سطر نظیره را تمام کن

و بدانکه هر حرفی در دایره ابجد پانزدهم حرف آن نظیره آن حرف است مثلاً حرف الف
 در ابجد نظیره آن سین است و بالعکس و نظیره باغین است و بالعکس و بکذا باقی حروف
 جدول نظیره ابجدی از این قرار است

اس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظیره	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ث	خ	ذ	ض	ظ	ع	

ششم پس از آن سطر نظیره ابجدی را از دایره ایقاع نظیره بگیر و در دایره ایقاع نیز
 حرف پانزدهم آن نظیره همان حرف است و بالعکس و دایره ایقاع این است

اس	ا	ی	ق	ع	ب	ک	ر	ج	ل	ش	د	م	ت	ه
نظیره	ن	ث	و	س	خ	ز	ع	ذ	ح	ف	ض	ط	ص	ظ

و هفتم سطر نظیره ایقاعی را نظیره اصلی بگیر بهمان نحو که گفته شد که حرف پانزدهم نظیره آن حرف است
 و بالعکس و دایره اینست چنانچه قبلاً هم نوشته شد

اس	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
نظیره	ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

تبصیر

برای اینکه زحمت عامل کمتر باشد جدول زیر را تنظیم کردم که در وقت نظیره گرفتن محتاج
بدارزه ابجد واقع و اعظم نباشد و این جدول نظیره مطبی است که از ایقاع گرفته شده و نظیره
از نظیره ابجد معروف گرفته شده که این جدول نظیره نظیره نظیره است برای اساس که بعد از تنظیم
سطر اساس فقط از همین دارزه نظیره گرفته شود معصود حاصل است (و دارزه اینست)

اساس	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
نظیره	ض	ص	ث	خ	ح	ن	ق	د	ل	د	ا	ب	ر	م
اساس	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ث	ث	خ	ذ	من	ظ	غ
نظیره	ع	ت	ظ	غ	ذ	ف	ط	ی	س	ش	م	د	ک	ج

برای تقریب بذین و خوب واضح شدن مقدمه قبل شالی ذکر میکنم تا خوب مطلب واضح شود
مثال در دو ساعت از روز جمعه گذشته سوال کردم (چکنم که سعادت یابم) سوال را

تقطیع کردم باین کیفیت	ج	ه	ک	ن	م	ک	ه	س	ع	ا	د	ت	ی	ا	ب	م	د
اعداد ابجد کبیر	۳	۵	۲	۵	۴	۵	۲	۶	۷	۴	۱	۴	۱۰	۲	۱	۴	۶
ابجد صغیر	۳	۵	۲	۵	۴	۵	۲	۶	۷	۴	۱	۴	۱۰	۲	۱	۴	۶
ابجد وسطی	۳	۵	۲	۵	۴	۵	۲	۶	۷	۴	۱	۴	۱۰	۲	۱	۴	۶
اعداد ابجد کبیر	۶	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰
ابجد کبیر	۶	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰
ابجد صغیر	۶	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰
ابجد وسطی	۶	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰	۷	۱۴	۱۰

مدخل ابجدی ۲۰۸۰
مدخل صغیر ۲۸۰
مدخل وسطی ۲۸۰۰
مدخل کبیر ۳۰۸۰

با سقاط مازاد از هزار چهار مدخل از اینقرار است
 ابجد ۱۰۸۰
 صغیر ۲۸۰
 وسطی ۱۸۰۰
 کبیر ۱۰۸۰
 مغربی ف غ ف ر ض غ

یازدهم باید از سطر مستحضره مستحضره گرفته شود بقاعده انقالات سه گانه (الحی جامع و
طبیعی غیری و مرتبای) بطریقی که نموده میشود باید از برای هر حرفی چهار حرف بحقیق که این است
معنای شری که بعضی از اهل فن گفته اند بقتت چار کن هر حرف خود را شود مستحضره
آسان و کیفیت اخذ چار حرف برای هر حرفی را در باب اول شرح خواهم داد و نشان دهم

[illegible]

باب اول

در بیان طریق گرفتن چهار حرف از برای هر حرفی از حروف مستحضره که اینجا حرف را مستحضره
 بنامند بدانکه این چهار حرف را از سه اتصال نامبرده شده بیاید گرفت یک حرف از اتصال
 جامع کلی و یک حرف از اتصال طبعی مخفی و دو حرف از اتصال مرتبه ای قاعده چنین است
 که دو حرف دو حرف باید عمل شود قفا در مقدمه گفته شد که تمام عدد اتصال کلی بمقتضای
 چهار است که عدد صفحات جفر جامع است که از ضرب بیت و هشت در بیت و هشت حاصل شد
 چنانچه الف در عدد یکست و با هر یک از بیت و هشت حرف باقی اتصال پیدا میکند و همچنین سایر
 حروف اکنون طریق حرف گرفتن از اتصال کلی را برای شرح میدهم و خوب دقیق باش
 و بفهم که چه بنویسم و تصدیق کن که واضح تر از این کسی نوشته بدون لغو و معنادار و انصاف ده که
 هیچ مضایقه ای در پرده برداشتن از روی مطلب نگذاشته ام و برخلاف روش اهل فن بی اغراض پرده
 دری کرده ام و از خدا طلب آمرزش میکنم غرض نقشی است که با ما ماند که هستی را نمیشناسیم بقای
 مگر صاحب دلی روزی رحمت کند در حق درویشان دعائی

بنا بر این بعد از آنکه سطر نظیره را چهار چهار فاصله دادی نظر کن بدو حرف اول از چهار حرف اول
 بین کدام یک از حروف پس نظر کن در دایره اتصال کلی که جدول آن در مقدمه اول نوشته
 شده و عدد اتصال کلی حرف ماقبل آن را بین چهار است با عدد ابجد وضعی حرف دوم جمع
 کن و حاصل جمع را سی سی طرح کن این طرح را طرح در جی گویند بعد از طرح بین چند عدد
 باقی ماند با عدد وضعی ابجدی هر دو حرف جمع کن و بیت و هشت بیت و هشت طرح کن و بعد
 آنچه باقی ماند از بعد حرف اول نظیره حرف بشمار و آخری را که عدد به آن منتهی شد آن حرف
 را مستحضره مستحضره حرف اول بدان و باز بعد همان عددی که بعد از طرح بیت و هشت باقی ماند بعد از
 حرف دوم نیز حرف بشمار هر حرفی که منتهی شد آن مستحضره مستحضره حرف دوم است مثلاً
 دو حرف اول از چهار حرف اول سطر نظیره اخیر (ظ) و (و) بود در دایره اتصال کلی
 نظر کردم حرف ماقبل آن (ض) بود و عدد آن بمقتضای بیت و هشت عدد ابجد وضعی حرف
 (و) که شش بود بر آن افزودیم بمقتضای و چهار شد سی سی طرح کردیم چارده باقی ماند عدد ابجد
 وضعی ظ که بیت و هشت است و او که شش است بر آن افزودیم جمعا چهل و هشت شد بیت و هشت
 از آن طرح کردیم نوزده باقی ماند از بعد حرف ظاهر دایره ابجد نوزده حرف ستریم بحرف ص رسید
 دانستیم که ص مستحضره مستحضره ظ است از اتصال کلی آنرا نوشتیم و از بعد حرف و او در دایره ابجد
 نیز نوزده حرف ستریم بحرف ذ رسید دانستیم که ذ مستحضره مستحضره و او است آنرا نوشتیم پس
 از برای هر یک از این دو حرف از اتصال کلی حرفی حاصل کردیم

قاعده کلیه

اگر عدد انصال کلی قابل طرح درجی یا منازلی نباشد باید بطرح بروجی برده شود مانند دو حرف ن و ب و دو حرف ز و ع و در وقت مستحصله گرفتن تلافی شود از چهار حرف مستحقه باین نحو که پس از آنکه آن چهار حرف را بطرح منازلی بردیم آن طرحی که عمل نشده اگر طرح درجی بوده یا طرح منازلی یا هر دو هنگام مستحصله گرفتن بر عدد چهار حرف مستحقه اضافه میکنیم تا قابل طرح شود و بطرح ببریم چنانچه در دو حرف ز و ع اینکار را میکنیم مثلاً برای اینکه این مطلب خوب واضح شود میگوئیم عدد انصال کلی ن و ب سیصد و شصت و شش عدد است بر این بنیان که حرف ن قبل ن در جدول انصال کلی م است و آن سیزده بیت دشت است که جمعا سیصد و شصت و چهار میشود و عدد ب در دایره ابجد وضعی دو است که چون بر عدد مجموع کلی ن اضافه کنیم سیصد و شصت و شش میشود پس از آنکه بطرح درجی بردیم که قاعده کلیه این انصال است شش عدد باقی میماند با عدد ابجد وضعی ن و ب که شانزده است چون اضافه کنیم بیت دو میشود که بطرح بیت دشت نیز که قاعده کلیه این انصال است نمیرود

لذا قاعده است که آنرا بطرح بروجی ببریم و در هنگام مستحصله گرفتن تلافی کنیم پس از طرح بروجی ده باقی میماند از بعد حرف ن در دایره ابجد ده حرف میثاریم بحرف دوازدهم میرسد و آن حرف ز است پس مستحقه ن از این انصال ز میشود و از بعد حرف ب یزده حرف میثاریم یازدهم آن حرف م است پس مستحقه ب از این انصال م است و برای تدارک و تلافی طرح بروجی که منحرف از قاعده کلیه این انصال شده در وقت مستحصله گرفتن یک طرح بروجی بر عدد چهار حرف مستحقه اضافه میکنیم و تلافی طرح فوت شده را مینمایم و مستحصله بگیریم و اما در مثل دو حرف ز و ع عدد انصال حرف ن قبل ن که و است در دایره انصال کلی یکصد و شصت و شصت و شش است و عدد حرف ع در دایره ابجد وضعی شانزده است مجموعاً یکصد و شصت و شش و چهار میشود پس از آنکه بحسب قاعده بطرح درجی بردیم چهار عدد باقی میماند چون بمقتضای قاعده عدد ابجد وضعی ن و هفت و عدد وضعی ع شانزده اجمعا هر سه با هم بیت و هفت حاصل میشود و قابل طرح منازلی که قاعده این انصال است نیست لذا آنرا بطرح بروجی ببریم بعد از طرح سه باقی میماند از بعد حرف ز در دایره ابجد سه حرف میثاریم و حرف چهارم که آ است از این انصال برای ن میویسیم و از بعد ع نیز در همان دایره سه عدد میثاریم حرف چهارم که و است برای ع میویسیم در هنگام مستحصله گرفتن طرح فوت شده بشرحیکه گفته شد تلافی میکنیم

انصاعصر طبعی احکام

پس از آنکه دو حرف از اتصال کلی بقاعده معتبره مضبوطه برای دو حرف از سطر
نظیره گرفتیم باید دو حرف هم از جدول و دایره اتصال طبعی عضری برای هر دو بگیریم
لذا میگویم بدانکه عمل این اتصال از دایره اطمینان است و این اتصال عبارت
است از انست طبعیت دو حرفیکه با هم متصل شوند که اول عامل باید طبعیت این دو
حرف را بداند و بعد به احکامی که دارد آشنا شود تا در وقت عمل سرگردان نشود پیش از
این در مقدمه گفته شد اتصالاتی که در حروف حاصل میشود از شانزده صورت پرور

نیت ۱ آتشی با آتشی ۲ بادی با بادی ۳ آبی با آبی ۴ خاکی با خاکی
۵ آتشی با بادی ۶ بادی با آتشی ۷ آبی با خاکی ۸ خاکی با آبی
۹ آتشی با خاکی ۱۰ خاکی با آتشی ۱۱ بادی با آبی ۱۲ آبی با بادی
۱۳ آبی با آتشی ۱۴ آتشی با آبی ۱۵ بادی با خاکی ۱۶ خاکی با بادی
احکام این شانزده صورت بر چهار قسم است باعتبار تماثل و توافق و تخالف و ضد
نقیض بودن و ما در اینجا حکم این چهار را در چهار قسمت بیان میکنیم

قسمت اولی

آنها فی همتند که با هم ماثل و موافقند در طبع و آنها عبارتند از چهار صورت اول
آتشی با آتشی و بادی با بادی و آبی با آبی و خاکی با خاکی -

قسمت ثانی

آنها فی همتند که طالب و مطلوب یکدیگرند و آنها عبارتند از آتشی با بادی و بادی
با آتشی و آبی با خاکی و خاکی با آبی

قسمت سیمی

آنها فی همتند که مخالفند با یکدیگر و آنها عبارتند از آتشی با خاکی و خاکی
با آتشی و بادی با آبی و آبی با بادی

قسمت چهارم

آنها فی همتند که ضد و نقیضند با یکدیگر و آنها عبارتند از آبی با آتشی و آتشی
با آبی و بادی با خاکی و خاکی با بادی و احکام هر یک از این چهار قسمت از این قرار است

مثال سوم

در آنجا که دو حرف طالب و مطلوب با هم گیر متصل شوند مثل ص ن که حرف بادی و م که حرف آتشی است و این هر دو طالب و مطلوب یکدیگرند خواهیم حرف مطلوب اتصال عنصری او را بدست بیاوریم عدد مرتبه هر دو را با هم جمع میکنیم چنانچه مرتبه ص ن هفت و عدد مرتبه م چهار است جمعا با هم گیر یازده میشود بطرح افلاکی میریم دو باقی بماند بعد از حرف ص ن در دایره ابجد دو حرف میثاریم بحرف آ میرسد و از بعد م هم نیز در همان دایره دو حرف میثاریم بحرف ع میرسد بمعین مطلوب حرف ص ن در دایره ابجد آ و مطلوب حرف م ع است

مثال چهارم

در آنجا که دو حرف طالب و مطلوب با هم گیر متصل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاکی نزود حکم اینست که بطرح دیگری میریم و بعد در گرفتن سحله تدارک نمایم مثلاً اگر دو حرف طالب و مطلوب م و ی باشند که م آتشی و عدد مرتبه آن چهار و ی بادی و عدد مرتبه آن سه است جمعا هفت میشود و قابل طرح افلاکی نیست بطرح کواکبی میریم یک طرح میشود در دایره ابجد از حرف م هفت حرف میثاریم و حرف ششم را که ش است میثاریم و بعد از حرف ش در همان دایره نیز هفت حرف میثاریم بحرف ششم آن که صاد میرسیم بمعین که مطلوب حرف م در آن دایره ش و مطلوب حرف ی ص است

تبیح

در جمع عدد مرتبه ای اتصال عنصری موافق و مخالف قاعده اینست که اگر عدد مرتبه دو حرف قابل طرح نشد باید بطرح دیگر غیر افلاکی برد از طرح کواکبی یا عنصری و عمل کرد و اگر هیچ طرحی نرفت عدد ما قبل یا بعد از اعلایه میکنیم و بطرح میریم در سحله ملائمت

اما قسمت سوم و چهارم

چون احکام موافق و طالب و مطلوب را دانستی احکام مخالف و ضد و نقیض را هم بدان تا هنگام عمل معطل و سرگردان نمایی پس بدان که احکام قسمت سوم و چهارم از اقسام

چهار گانه اتصالات عنصری که عبارت از مخالف و ضد و نقیض باشد این است که اگر دو حرف که با هم متصل شدند از قسمت مخالف یا ضد و نقیض باشند اگر عدد توانی مرتبه هر دو بطرح افلاکی که نه باشد رسید بهمان عمل کنند و اگر بطرح نه نرسید نظر کنند بعد از مرتبه عدم توانی هر

اگر بنزد نغم المطلوب و اگر آن هم بنزد عدد توالی و عدم توالی هر دو را اگر توان
 با هم جمع کند و بطرح برد و آلاب بر طرح یا بهمان عدد که حاصل شده حرف باید گرفت
 و بعد در وقت مستحصله گرفتن تلافی طرح فوت شده را باید نمود در اینجا نیز برای توضیح
 چند مثال ذکر میکنم تا طالبین بیشتر از آن بهره مند شوند

مثال اول

در اینجا یک دو حرف مخالف با هم منقل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاک برسد مانند
 ق و ف که عدد توالی ق ف پنج و عدد توالی ف ق نیز پنج است جمعا ده میشود بطرح افلاک
 میبریم یک باقی میماند از بعد حرف ق یک حرف در دایره ایجاد میسازیم بحرف ق میرسد و از
 بعد حرف ق در همان دایره یک حرف میسازیم بحرف ق میرسد میفهمیم که مطلوب حرف ق
 در این انقال حرف ق است

مثال دوم

در اینجا یک دو حرف مخالف با هم منقل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاک برسد مانند
 و ش در اینجا دال یک عدد دارد و ش ش خلاف مرتبه عضو دال پنج میشود و جمع عدد
 مرتبه هر دو هفت مجموع هفت با پنج دوازده میشود بطرح افلاک میبریم سه باقی میماند بعد از
 حرف د در دایره ایجاد سه حرف میسازیم بحرف ح میرسد و بعد از ش نیز در همان دایره
 سه حرف میسازیم به د میرسد میفهمیم که در این انقال ح مطلوب د و د مطلوب ش است

مثال سوم

در اینجا یک دو حرف ضد و نقیض با هم منقل شوند و عدد مرتبه هر دو بطرح افلاک برسد مانند
 ط که عدد مرتبه ش و عدد مرتبه ط سه است با یک عدد هر دو یک طرح افلاک است روی آن عمل
 بلکه در انقال ضد و نقیض عدد ضد هر دو را باید گرفت چون حرف ش آبی و حرف ط
 ناری و هر دو ضد و نقیض اند و در ضد و نقیض قاعده اینست که عدد ضد هر دو را بگیرند
 و به آن عمل کنند لذا در اینجا طبق قاعده عدد ضد هر دو را میگیریم و عمل میکنیم پس بدان
 که عدد ضد هر دو یازده میشود باین شرح که ش در مرتبه ششم عضو آبی است و ط در مرتبه سوم
 آتشی و چهار و پنج که بین این دو است یازده میشود بطرح افلاک میبریم دو باقی میماند پس
 در دایره ایجاد بعد از حرف ش دو حرف میسازیم بحرف ح میرسد میفهمیم مطلوب حرف ش
 از این انقال ح است و همچنین نیز بعد از حرف ط در آن دایره دو حرف میسازیم به
 حرف لام میرسد میفهمیم مطلوب حرف ط در آن ک است

قاعدۀ مهمّ

در اتصال مخالف عضوی اگر بتوالی بردیم و طرح کردیم بر حسب قاعدۀ فاعطی نشد بگیریم
و حروف عضو را از عدم توالی بگیریم اگر باز ناطق نشد از عدد توالی و عدم توالی هر دو
جمع میکنیم اگر بطرح رسید طرح میکنیم و اگر بطرح نرسید از همان عدد حرف بگیریم و بعـ
وقت ستصده گرفتن ملاقی میکنیم تا ناطق شود در هر حال ملاحظۀ نطق را باید کرد

تصیر

بدانکه حروف آتشی و بادی و آبی و خاکی هر یک هفت حرفند و هر عضوی که هفت حرف
است بیت و هشت عدد دارد پس اگر در گرفتن مطلوب حرف از اتصال عضوی
حروف قابل طرح نشد عدد مرتبه قابل را بر آن میافزاینم تا قابل شود چنانچه اگر حرف
در مرتبه اول واقع باشد و قابل طرح نباشد عدد مرتبه شش حرف دیگر را بر آن میفزائیم
تا قابل طرح شود مثلاً هرگاه دو حرفیکه با هم متصل شدند ج باشد دو عدد دارند و قابل
طرح نیستند لذا عدد مراتب همه حروف آبی را بر آن دو میفزائیم و بطرح میریم چنانچه ذکر شد

در بیان تصانیل تبدیل واحکام متعلق بآن

بدانکه این اتصال را مرتبه ای گویند برای اینکه از روی مرتبه به آن عمل میشود و برای هر حرفی
دو حرف از آن باید گرفت و آن بر دو قسم است قسم اول از جهت مراتب چهارگانه اتحاد عشرات و آن
والف که از آن یک حرف برای هر حرفی گرفته میشود و این قسمت طرح ندارد و قسم دوم از جهت مراتب
عددی حرف که بلا مرتبه حساب شود چنانچه بعد از این خواهی دانست و این قسمت طرح بروی دارد
و این اتصال باعتبار مراتبی که دارد بر شانزده نوع تصویر میشود از ضرب چهار در چهار ۱ اتصال
آحاد با آحاد ۲ اتصال آحاد با عشرات ۳ اتصال آحاد با مئات ۴ اتصال آحاد با الف
۵ اتصال عشرات با آحاد ۶ اتصال عشرات با عشرات ۷ اتصال عشرات با مئات ۸ اتصال
عشرات با الف ۹ اتصال مئات با آحاد ۱۰ اتصال مئات با عشرات ۱۱ اتصال مئات با الف
۱۲ اتصال الف با الف ۱۳ اتصال الف با آحاد ۱۴ اتصال الف با عشرات ۱۵ اتصال الف با مئات
قسم است بر حسب اختلافی که در حکم دارند و احکام آنها در ضمن سه قسمت بیان میشود

قسمت اولی

در حکم اتصال آحاد با آحاد و آحاد با عشرات و عشرات با آحاد و عشرات با مئات و عشرات با الف و الف با آحاد و الف با عشرات و الف با مئات و الف با الف این ده صورت فقط در وقت عمل مرتبه جلی آنها گرفته میشود و بطرح بروچی میرود و اگر قابل طرح نباشد حرف ما قبل آنها را بر آنها میافزاییم و بطرح میبریم و اگر پس از اضافه عدد حرف ما قبل یا بعد باز بطرح نرزد آنرا بطرح دیگری از طروح که نقصی باشد میبریم و حرف میگیریم و در وقت مستحصله گرفتن تدارک طرح فوت شده را میگیریم بشرطی که بعد از این گفته میشود و اگر بر دو حرف ما قبل نداشته باشد از همان عدد مرتبه خودشان حرف مطلوب آنها را میگیریم و هنگام مستحصله گرفتن تلافی نمیکنیم و بعد از این بمثالهای که بیان میکنیم کاملاً واضح میشود

قسمت دوم

در حکم اتصال آحاد با مئات و عشرات با الف و مئات با آحاد و الف با عشرات و علت اختلاف حکم این قسمت با قسمت قبل از جهت بکرتبه دور بودن دو حرف است از همدیگر و حکم هر یک از این چهار صورت اینست که هر یک از دو حرفی که از این چهار صورت باشد عدد مراتب جلی آنها را باید گرفت و عدد عدد مراتب جلی آنها را نیز باید گرفت و عدد مابه التفاوت مراتبی آنها را بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب جلی ایشان افزود و حرف مطلوب را گرفت چنانچه بمثال بعد از این خواهی دانست

قسمت سیم

حکم آحاد و الف و الف و آحاد است بعلت دور مرتبه از همدیگر دور بودن پس هرگاه این دو نوع حرف با هم منقل شدند حکم اینست که عدد مراتب جلی آنها را بگیرند و عدد بکثیری مراتب جلی آنها را نیز بگیرند و با عدد مابه التفاوت مراتب آنها را با هم جمع کنند و بعد از طرح بروچی این اتصال از دایره ابجد بشرطیکه در اتصال قبل گفته حرف مطلوب هر یک را بگیرند و در هنگام مستحصله گرفتن نیز همین عدد مابه التفاوت بین آنها را نیز بر عدد حاصل طرح عدد مطلوب آنها بیفزایند و پس از آن مستحصله بگیرند چنانچه بمثال بعد روشن خواهی شد

و فرق مراتب حکم این دو صورت با چهار صورت قبل این است که چون این دو صورت
 هر کدام دو مرتبه از هم دورند لهذا دو مرتبه عدد مابه التفاوت بین آنها را بر عدد حاصل طرح
 ایشان میافزاییم یکی هنگام گرفتن حرف مطلوب در اتصال عدد مراتب جمعی و یکی در
 هنگام گرفتن مستقیم از خلاصه عدد حروف مطلوب و آنرا آن چهار صورت چون یکمرتبه
 از هم دورند یکمرتبه عدد مابه التفاوت ایشان را بر عدد حاصل طرحشان میافزاییم و آن در
 هنگام گرفتن حرف مطلوب در اتصال مراتب جمعی است

توضیح مقال فی شرح این اتصال

خلاصه کلام در این مقام بطور واضح آنکه این اتصال دو صورت دارد که بعد از گرفتن
 حرف مطلوب از اتصال مختصری چنانچه گذشت از این اتصال برای هر یک از دو حرف یک
 یکدیگر متصل شوند و حرف برای سطره بیاید گرفت که یکی از این دو حرف از اتصال
 مرتبه جمعی گرفته میشود و در این اتصال مرتبه جمعی طرحی نیست فقط همین قسم از اتصال است
 که طرح ندارد و قاعده حرف گرفتن از این اتصال اینست که دو حرفی که با هم متصل
 میشوند باید بنیم مرتبه جمعی هر یک از این دو حرف چند است با هم جمع کنیم و بعد
 حاصل جمع هر دو در دایره ابجد بعد از هر یک از آن دو حرف حرف بنماییم و حرف بعد
 از آنرا مطلوب آنحرف بدانیم برای تقرب بدین مثالی چند ایراد میکنم بقیه را بدینا قیاس کن

مثال اول

حکم اتصال آحاد با آحاد مثلا هرگاه دیدیم که ج با ج با هم متصل شدند چون هر دو آحاد
 هر کدام را یک حساب میکنیم جمعا دو میشوند در دایره ابجد بعد از ج دو حرف میثایم حرف
 سوم مطلوب ج است و آن ق است و چون هر دو حرف مانند برای هر دو ق را بیگیریم

مثال دوم

حکم اتصال آحاد با عشرات هرگاه دیدیم دو حرف که با هم متصل شده یکی آحاد و دیگری
 عشرات است مانند ه که آحاد است و م که عشرات است ه را یک و م را دو حساب
 میکنیم جمعا سه میشود در دایره ابجد بعد از ه سه حرف میثایم و چهارم آن که ط است
 بای ه می نویسیم و بعد از حرف م هم در همان دایره سه حرف میثایم و چهارم آنرا برای
 م می نویسیم و همین حکم را در دهمت صورت و غیره عبارت باشد از اتصال عشرات با
 آحاد و عشرات با مئات و عشرات با عشرات و مئات با عشرات و مئات با الف و الف با
 مئات و الف با الف و مئات با مئات

مثال سوم

حکم انفال احاد با ت هرگاه دیدیم دو حرفیکه باهم متصل شده یکی احاد است و یکی ت مثلاً مانند د و ت دال را یکی حساب میکنیم و ت را سه جمعا چهار میشود با ت تحت بیان این دو یک مرتبه است لذا یک را بر حاصل جمع میفرایم پنج میشود در دایره ابجد بعد از حرف که پنج حرف بشماریم و حرف ششم که می است می نویسیم و بعد از حرف ت در همان دایره ابجد پنج حرف بشماریم و حرف ششم که غ است می نویسیم و بفهمیم که مطلوب د و ت در این انفال می د و غ است

مثال چهارم

حکم انفال عثرات با الف مانند ل و غ مثلاً هرگاه باهم متصل شوند ل و غ را چهار حساب میکنیم جمعا شش میشود چون با ت تفاوت بین این دو یک مرتبه است یک را بر شش اضافه میکنیم هفت میشود در دایره ابجد بعد از حرف ل هفت حرف بشماریم و حرف هشتم را که ق است می نویسیم و بعد از حرف عین نیز هفت حرف بشماریم و حرف هشتم که ح است می نویسیم پس مطلوب ل و غ در این انفال ق و ح است و همین حکم را در دالت با احاد و الف با عثرات

مثال پنجم

حکم انفال احاد و الف مانند و و غ هرگاه باهم متصل شوند مرتبه و یک و غ چهار جمعا پنج میشود با ت تفاوت بین آنها دو است بر چهار میفرایم شش میشود در دایره ابجد بعد از حرف و شش حرف بشماریم و حرف هفتم که م است می نویسیم و بعد از غ نیز شش حرف بشماریم و حرف هفتم که ن است می نویسیم و انفال الف با احاد نیز همین حکم را دارد و فرق میان این مثال و مثال سابق و بخوان امنیت که در این مثال و مثال آن که الف و احاد است با ت تفاوتی که دو مرتبه بیان آنها است دو بار باید اضافه شود یکبار در این انفال و یکبار در وقت سحری که گرفتن بخلاف چهار صرشت قبل چنانچه قبلاً هم ذکر کردم

و اما صورت دوم از انفال

حسرتبای

و آن انفال مرتبه عددی جلی است که حرف چهارم را برای مستحضره از این انفال

باید گرفت و آنها بر حسب اختلافی که دارند چنانچه از پیش ذکر شد بر سه قسمند و هفتمی را حکمی جداگانه است ده صورت آن حکمی دارد و چهار صورت آن حکمی و دو صورت آن حکمی برای هر یک از این سه قسم مثالهایی ذکر میکنم تا مطلب بخوبی واضح شود و در این صورت از این اتصال طرح بروجی باید شود که قاعده کلیه آن است و اگر بطرح بروجی زفت حرف ما قبل آنرا بر آن میافزاییم و بطرح میبریم و اگر باز قابل طرح نشد بطرح دیگری که مقتضی باشد از قبیل طرح کواکبی یا طرح غنصری میبریم و در وقت سحبه گرفتن طرح فوت شده را تلافی میکنیم چنانچه بعد از این شرح داده میشود اکنون برای مزید اطلاع خاطر نشان نمایم

مثال اول

حکم اتصال آحاد با آحاد در اتصال مرتبه عددی جمعی هرگاه آحاد با آحاد متصل شود عدد مرتبه جمعی آن قابل طرح باشد مانند اتصال و ط میگویم عدد مرتبه ای و شش و عدد مرتبه ای ط نه است جمعا پانزده میشود پس از طرح دوازده که یک طرح بروجی است سه باقی میماند در دایره ابجد بعد از حرف و سه حرف میثاریم حرف چهارم که حی است مطلوب حرف و میشود میثاریم و بعد از حرف ط نیز سه حرف در همان دایره میثاریم حرف چهارم هم است و آن مطلوب ط است نیز میثاریم در اینجا چون بقاعده عمل شد هنگام سحبه گرفتن تلافی ندارد

مثال دوم

حکم اتصال آحاد با عشرات در اینصورت اتصال هرگاه آحاد با عشرات متصل شود مانند ح و جن عدد مرتبه ای ح هشت و عدد مرتبه ای ص نه میشود جمعا بمقدار پانزده پس از طرح دوازده پنج باقیماند در دایره ابجد بعد از حرف ح پنج حرف میثاریم حرف ششم که ن است میگیریم و بعد از حرف ص در آن دایره نیز پنج حرف میثاریم حرف ششم ح را میگیریم پس مطلوب ح و ص ن و ح میشود

مثال سوم

حکم اتصال آحاد با آحاد در جائیکه بطرح بروجی نرود مانند ج و د که عدد ج سه و عدد دال چهار است جمعا هفت میشود و آن قابل طرح بروجی نیست عدد ما قبل هر دو حرف را بر هفت اضافه میکنیم تا قابل طرح شود مثلا ما قبل ج الف و ما قبل د الف و با وجیم هت عدد ما قبل ج سه و عدد ما قبل دال شش آنها را بر هفت اضافه میکنیم شانزده میشود پس از یک طرح بروجی چهار باقیماند بعد از حرف ج از دایره ابجد چهار حرف میثاریم و حرف پنجم که ح باشد مطلوب ج است آنرا میگیریم و بعد از حرف دال نیز چهار حرف میثاریم و حرف پنجم که ط و مطلوب د است میگیریم

مثال چهارم

حکم اتصال آحاد با آحاد در جاییکه بطرح بروی نرزد و ماقبل هم نداشته باشد یا ماقبل دارد و باز
بطرح بروی نرزد و با افزودن عدد ماقبل مانند ب و ج که ب دو عدد دارد و ج سه عدد
پنج میشود و عدد ماقبل بر دو چهار است که با پنج نه عدد میشود و قابل طرح بروی نیست بطرح کوی
نیزیم دو باقی میماند بعد از حرف ب در دایره ابجد محرف میثایم حرف ه میسرده و بعد از ج
نیز حرف میثایم بر و میسرده خواهیم داشت که مطلوب حرف ب و ج در این اتصال
ه و و خواهد بود و هنگام محصله گرفتن باید تلافی شود چنانچه خواهیم گفت

مثال پنجم

حکم اتصال آحاد با آحاد در جاییکه بطرح بروی نرزد و عدد حرف ماقبل آن نیز هرگاه
اضافه شود باز هم وفا بطرح بروی و دیگر کند مانند ب و ب مثلاً که هر دو در مرتبه
احادند آنها را دو حساب میکنیم و با دو عدد که ماقبل آنهاست چهار میشود چون چهار یک طرح
عنصری است در دایره ابجد بعد از حرف ب چهار حرف میثایم و حرف پنجم که ز باشد بگیریم
و چون دو حرف مانده مطلوب بر دو ز می باشد و اگر دو حرفی باشد که ماقبل آن
از چهار هم کمتر باشد مانند الف و الف که ماقبل آنها دو عدد است و هیچ طرحی نیز در بر
هر یک دو حرف از دایره ابجد میثایم و حرف سوم که د است برای بر دو مطلوب بگیریم و در
وقت محصله گرفتن تلافی میکنیم

مثال ششم

حکم اتصال مات با آحاد مانند ط و ط تا در مرتبه مات حساب میشود و ط در
مرتبه آحاد یک جمعا چهار میشود چون بطرح بروی نرزد و عدد مرتبه ماقبل آن که سه است
با عدد حرف ماقبل ط که هشت است جمعا یازده میشود بر عدد چهار میافزایم جمعا پانزده میشود
بعد از طرح دوازده سه باقی میماند در دایره ابجد بعد از حرف ت سه حرف میثایم حرف
چهارم که ض است مطلوب ت خواهد بود و بعد از حرف ط نیز سه حرف میثایم حرف
چهارم که ق است مطلوب ط خواهد بود و اینجا با تفاوت احاد و مات باید اضافه شود مطلوب
ظ و ن میشود پانزده

مثال هفتم

حکم اتصال عشرات با الف مانند اتصال ع با غ عین در مرتبه عشرات است هفت حساب
کن و عین در مرتبه الف یک حساب کن جمعا هشت میشود چون قابل طرح بروی نیست
عدد بلا مرتبه حرف ماقبل عین که بیست و یک است بر هشت اضافه کن بیست و نه میشود عدد از د

طرح بروجی نج باقی میماند از بعد حرف عین در دوازده ابجد پنج حرف بیشتر عدد مراتبی عین که
دو است و عدد مراتبی غین که چهار است و جمعاً شش میشود بر عدد پنج باقیمانده میافزایم
یازده میشود در دوازده ابجد بعد از حرف عین یازده حرف میثایم حرف دوازدهم که نج است
مطلوب نج خواهد بود و بعد از حرف غ نیز یازده حرف میثایم حرف دوازدهم که ل است
و آن مطلوب نج خواهد بود

حکم انتقال مات با آحاد مانند ت و ط تا در مرتبه مات سه حساب میشود و ط در
مرتبه آحاد یک جمعاً چهار میشود چون بطرح بروجی نمرود عدد مرتبه ماقبل ت که سه است
با عدد حروف ماقبل ط که هشت است و جمعاً یازده میشود بر عدد چهار میافزایم جمعاً پانزده میشود
بعد از طرح دوازده سه باقی میماند در دوازده ابجد بعد از حرف ت سه حرف میثایم حرف
چهارم که ضی است مطلوب ضی خواهد بود و بعد از حرف ط نیز سه حرف میثایم حرف
چهارم که قم است مطلوب ط خواهد بود در اینجا با تفاوت اعداد باید اضافه نمود مطلوب
ظ و ن میشود اثبات شده

مثال هفتم

حکم انتقال عشرات با الف مانند القال ع با غ عین در مرتبه عشرات است هفت حساب
کن و عین در مرتبه الف یک حساب کن جمعاً هشت میشود چون قابل طرح بروجی نیست
عدد بلا مرتبه حروف ماقبل عین که بیست و یک است بر هشت اضافه کن بیست و سه میشود عدد از
طرح بروجی نج باقی میماند از بعد حرف عین در دوازده ابجد پنج حرف بیشتر عدد مراتبی عین که
دو است و عدد مراتبی غین که چهار است و جمعاً شش میشود بر عدد پنج باقیمانده میافزایم
یازده میشود در دوازده ابجد بعد از حرف عین یازده حرف میثایم حرف دوازدهم که نج است
مطلوب نج خواهد بود و بعد از حرف غ نیز یازده حرف میثایم حرف دوازدهم که ل است
و آن مطلوب نج خواهد بود

مثال هشتم

حکم الف با عشرات مانند حی و غ و ی عین در مرتبه چهارم و ی در مرتبه دوم
است جمعاً شش میشود قابل طرح بروجی نیست عین در مرتبه عددی یک و یاهم دو با هم
اتفاوت دو میشود بر شش میافزایم جمعاً هشت میشود بطرح گو آگبی میریم یک باقی میماند از
بعد حرف نج در دوازده ابجد یک حرف میثایم حرف دوم که ب است مطلوب نج است و از
بعد حرف ی نیز در آن دوازده یک حرف میثایم حرف دوم که ل است مطلوب حی است
باقی اقسام صورت دوم این انتقال را از مثالهای که ذکر شد بعین و بر آنها قیاس کن

چون فاعده گرفتار شخصه از الف

بدانکه مثالی که در مقدمات فرض کردیم مستحقه آن بیت و چهار حرف شد و آن تقسیم شد بر شش خانه جعفری که هر خانه چهار حرف باشد باید برای هر یک از این چهار حرف چهار حرف مستحقه مستحقه بگیریم کجوف از اتصال جامع کلی و کجوف از اتصال غضری طبعی و دو حرف از اتصال جلی مرتبه ای و عددی برای آشنا کردن با بقاعده کجانه چهار حرفی جعفری را مستحقه مستحقه بگیریم که برده خفائی باقی نماند چهار حرف خانه اول جعفری شال (ظ و ث و ف) بود باید دو حرف دو حرف عمل کنیم با کیفیت که اول برای دو حرف ظ و و هر کدام چهار حرف مستحقه مستحقه بگیریم اول از اتصال کلی جامع شروع میکنیم با ترتیب میگوئیم حرف ما قبل ظ صی است و آن در دایره اتصال کلی جامع عدد شش مقصود و بیت و شش است که عبارت از بیت و شش بیت و شش باشد این عدد را با عدد وضعی و که شش است و متصل با خط شده جمع میکنیم مقصود سی و چهار میشود سی که عدد طرح در جی است طرح میکنیم چهارده باقی میماند چهارده را با عدد وضعی و او که شش است و عدد وضعی خط که بیت و هفت است جمع میکنیم چهل و هفت میشود بطرح منازلی که نیز قاعده این اتصال است میبریم یعنی بیت و شش از آن طرح میکنیم نوزده باقی میماند در دایره یک بعد از حرف خط نوزده حرف میثایم و حرف بیتم را که قی است و مطلوب حرف خط است میویسیم پس از آن بعد از حرف و نیز در همان دایره نوزده حرف میثایم و حرف بیتم که صی است و مطلوب حرف و او میویسیم تا اینجا از چهار حرفی که برای هر یک از این دو حرف باید گرفته شود برای هر کدام کجوف از اتصال کلی گرفتیم اکنون حرف دوم را برای هر یک از اتصال طبعی غضری باید گرفت خوب توجه کن و بفهم که چه میویسیم کیفیت اخذ حرف از این اتصال برای ظ و و او بیت میگوئیم حرف خط هفتم درجه حرف بیادی است و حرف و دوم درجه آن است چنانچه قبلاً گفتیم هر یک از عناصر چهار گانه هفت حرف دارند و هفت حرف بیادی اینها است (ب و و ی و ن و ص و ت صی) پس خط در درجه هفتم و و در درجه دوم است و در طبع موافقند عدد هر دو را با هم جمع میکنیم دو و هفت نه میشود و آن عدد که طرح افلاکی است که قاعده مسلمة این اتصال است پس در دایره یک بعد از حرف خط نه حرف میثایم حرف خط که مطلوب او است میویسیم و بعد از حرف و او نیز در همان دایره نه حرف میثایم حرف ع که مطلوب و است میرسد میفهمیم

که در این انتقال مطلوب ظا است و مطلوب و ع است تا اینجا برای هر یک از این
 دو حرف دو حرف گرفتیم اکنون برای هر کدام دو حرف دیگر از انتقال مرتبه ای جلی باید
 گرفت پس میگوئیم ظا در مرتبه سوم جلی است آحاد و عشرات و مئات و در مرتبه احاد است
 سه و یک چهار میشود بر حسب قاعده در دایره ابجد بعد از حرف ظا چهار حرف شمرديم و حرف
 پنجم را که ت است مطلوب ظا گرفتیم و بعد از حرف و نیز در همان دایره چهار حرف شمرديم
 و حرف پنجم که ث است مطلوب و او گرفتیم و در این انتقال احتیاج بطرح نیست باقیما
 است برای هر یک از این دو حرف یک حرف دیگر که آزا باید از انتقال مرتبه عددی بگیریم و
 آن چنین است که ظا بلا مرتبه در عدد نه میباشد و شش و ایند و پانزده میشود بر طبق قاعده
 مضبوطه در این ایصال باید طرح بروی شود یعنی از پانزده دوازده طرح میکنیم سه باقی میماند
 در دایره ابجد از بعد ظا سه حرف می شماریم حرف چهارم آن ت است که در این انتقال
 نیز مطلوب ظا است و بعد از حرف و نیز سه حرف در همان دایره می شماریم بحرف ث که
 میرسد میفهمیم که مطلوب و او ت است باقی را همین نحو قیاس کن که در اینجا عدد فرو گذار کردیم

مستحضره ظا مستحضره و

مستحضره ق ط د ج ه مستحضره ض ع ک ل
 و اما حرف سوم و چهارم این خانه جفری ت و ن است عدد جامع کلی حرف
 ماقبل ت ششصد و شانزده و عدد وضعی ن هفت است جمعا ششصد و بیست و میشود
 بعد از طرح سی سی درجی که قاعده این انتقال است بیت و سه باقی ماند با عدد وضعی ن که
 هفت است عدد وضعی ت که بیت و سه است جمع کردیم کلا چهل و شش شد پس از طرح
 بیت و شش که یک طرح منازلی و قاعده سلمه این اتصال است هجده باقی ماند در دایره

ابجد بعد از حرف ت هجده حرف شمرديم بحرف ن رسید دانستیم مطلوب ت ن است
 و بعد از حرف و در همان دایره نیز هجده حرف شمرديم بحرف ض رسید دانستیم مطلوب
 ت از این انتقال ض است خواهیم حرف دوم برای هر یک از این دو حرف بگیریم
 از انتقال غنصری طبعی چون ت و ن هر دو هم طبع بودند و موافق و عدد ت شش و
 عدد ن دو و مجموع هشت میشود و بطرح افلاکی که قاعده متقنه این انتقال است نیز هفت لذا
 بر حسب قاعده چنانچه از پیش گذشت عدد تمام حروف هم طبع این دو را بر هشت افزودیم
 جمعا سی و شش بطرح افلاکی بردیم چهار طرح شد بعد از حرف ت در دایره ابجد نه حرف بردیم

حرف دهم که بود و مطلوب ث نوشتیم و بعد از حرف ز نیز در همان دایره نه حرف
 شتر دیم حرف دهم که ف بود و مطلوب ز بود آنرا نوشتیم خواستیم هر حرف سوم را برای
 هر یک از این دو حرف بگیریم طبق قاعده از اتصال مرتبه ای جلی باید گرفت باین نحو که ث
 در مرتبه سوم جل و از مات بود و ز در مرتبه اول جمعا چهار میشود در دایره ابجد بعد از حرف
 ث چهار حرف شتر دیم حرف پنجم که غ بود نوشتیم و بعد از حرف ز در همان دایره چهار
 حرف شتر دیم حرف پنجم که ک بود نوشتیم این اتصال طرح ندارد خواستیم حرف چهارم را
 برای هر یک از این دو حرف بگیریم طبق قاعده از اتصال مرتبه عددی باید گرفت خاکی
 ث پنج و ز نه جمعا دوازده میشود یک طرح بروی است که قاعده این اتصال است بعد
 از حرف ث در دایره ابجد دوازده حرف شتر دیم حرف سیزدهم ح و مطلوب ث بود
 نوشتیم و بعد از حرف ز در همان دایره نیز دوازده حرف شتر دیم حرف سیزدهم ز بود
 نوشتیم پس مستحضره ث چهار حرف و مستحضره حرف ز نیز چهار حرف شد
 مستحضره ث مستحضره ز و این دو خانه جوی در وقت
 ن ه غ ح ض ف ل ر مستحضره گرفتن تلاقی ندارد زیرا
 که طروح درجی و منازلی و افلاکی عنصری و بروی خود را که قاعده این اتصالات است رفته

فصل پنجم در توضیح

اگر در آخر حروف مستطقه داخل اربعه و غیر مکرر حروف سوال که بر آن ملحق شده حرف آخر
 بتبنائی مانند یا سه حرف مانند بدون اینکه متصل بچون دیگر شود اگر یکی است باید بعد از نظر
 آخر که نظیره اطلی گرفت آن حرف آخر بتبنائی را با قبل آن مستحضره بگیری و اگر حرف دوم
 است نیز با حرف ما قبل آن که حرف دوم است مستحضره بگیری

قاعده کذا

اگر عدد دو حرف مخالف بطرح افلاکی رفت و در مستحضره ناطق نشد بعد از تمام شدن مستحضره
 آن بطرح کو اکی بر دتانی کن در هر سمتی که مابه التفاوت دارد و اگر باز هم ناطق نشد
 هر عدد دیکه از همین عنصر مخالف است و لو کمتر از هفت هم باشد جمع کن و حرف بگیر و
 در هنگام مستحضره گرفتن تلاقی کن و از سطوحش سیر بده تا ناطق شود

فَاعِدَةٌ

در انصال دو حرف م و ح که بطرح برو جی و افلاکی که قاعده کلیه این انصال است
میروند باید تدارک کرد چون در هر دو انصال طرح کو اکی حاصل می شود یعنی بدو طرح کو کبی
میروند یک طرح کو کبی بر حاصل طرح عدد مطلوب هر دو باید افزود در وقت مستحصله گرفتن دو طرح

فَاعِدَةٌ

در حروف مستحضره اگر محتاج شدیم بتلافی در جی مثلا و عدد مراتب انصال جمعی هر دو و
عدد حروف مستحضره بیت و چهار باشد مثلا و قابل تلافی نباشد میتوانی همان عدد بیت
چهار را بدون تلافی و طرح حرف گیری البته ناطق می شود

فَاعِدَةٌ

در انصال مراتب جمعی عشرات به آحاد چون انصال ن و ب اگر قابل طرح نباشد
هر طرحی که قاعده کلیه تقاضا میکند میبریم یعنی پیش از علاوه کردن عدد ما قبل آن حرف اگر
قابل این است که بطرح دیگر ببریم میبریم و اگر قابل نیست عدد حرف ما قبل را بر آن میفرایم
و بطرح میبریم و اگر ما قبل ندارد عدد ما بعدش را یعنی همه ما بعد را که بیت و هفت است چنانچه
در انصال عنصری این عمل می شود در این انصال هم عمل میکنیم و بر آن میافزاییم چون در انصال
عنصری قاعده این بود که اگر عددین دو حرف قابل طرح نباشد و ما قبل هم نداشته باشد
یا داشته باشد و باز هم قابل طرح نباشد عدد ما بعد را بر آن میافزاییم تا قابل طرح شود و بعد
تلافی میکنیم در این انصال جمعی هم همین عمل را باید انجام داد چنانچه در انصال ب باب
همین عمل را میکنیم

فَاعِدَةٌ

در انصال عشرات به اآت که عدد مطلوب قابل طرح منازلی نباشد چون ح و
و ح که عدد مطلوب ح نوزده است و قابل طرح منازلی نیست و هیچ طرحی
برده نمیشود همان عدد را باید نگاه داشت و عدد مطلوب ح را باید بطرح منازلی
برده حاصل طرح پنج میماند و آن فرد است و عدد نوزده هم فرد است و عدد نوزده بیشتر
از آن است و بطرح زفته لذا مستحصله هر دو را از عدد مطلوب ح میگیریم

فَاعِلَةٌ

اگر عدد طرح انتقال کنی قابل طرح درجی نباشد بطرح بروی باید برد مانند انتقال
و ب مثلاً و همچنین ذ و ع و در وقت مستحصله گرفتن از چهار حرف مستحصل پس از
آنکه بطرح منازلی بر دیم همان عدد طرح شده یعنی دو طرح یا یک طرح که از انتقال کنی
طرح شده و قابل طرح منازلی نبوده بر عدد مستحصله علاوه میکنیم و بطرح منازلی میبریم چنانچه
در انتقال ذ و ع این احتیاج را پیدا میکنیم

فَاعِلَةٌ

اگر عدد مابه تفاوت از یک سمت باشد آنرا اخذ باید کرد و اگر تدارک دارد تدارک میکنی و
از آن حرفی که تفاوت دارد بقیه مابه تفاوت را بهمان عدد از حرف مطلوب میبری
و مستحصله از مطلوب میگیری چنانچه مثلاً اگر ذ با ذ انتقال پیدا کرد و همچنین هر دو حرفی
که مثل این دو حرف باشد در آن همین عمل را باید بکنی

فَاعِلَةٌ

اگر در انتقال آحاد و ثمات یا آحاد و الف از هر دو سمت مابه تفاوت نداشته باشد
و از یک سمت داشته باشد همان یک سمت را میگیریم مانند ذ و ذ و امثال آن و علاوه
میکنیم و اگر هیچ تفاوتی ندارد از هر دو همان را میگیریم

فَاعِلَةٌ

گاهی اتفاق میافتد من غیر غالب که در انتقال آحاد و ثمات در صورت انتقال مراتب
جملی بعد از اضافه مابه تفاوت اگر داشته باشند در آخر طرح از مستحصله باید از آخر مطلوب
آحاد شروع در سمر کردن نمود و مستحصله گرفت مثلاً مانند ذ و ط که موافق در طبع با
هم دیگر و اگر دو حرف ضد و نقیض باشند مانند ذ و س و نحو آن خلاف این قاعده

فَاعِلَةٌ

باید رفتار شود
اگر عدد مستحصله معادل یک طرح منازلی بشود که مثبت و مثبت باشد و یا با عدد طرح کواکبی
باشد یعنی طرح افلاکی فوت شده باشد آن عدد کواکبی را نباید بر مثبت و مثبت علاوه کرد
بلکه همان عدد مثبت و مثبت فقط را بطرح افلاکی باید برد بدون علاوه کردن نفت که عدد کواکبی است تا
مقایسه شود چنانچه در مستحصله گرفتن از عدد مستحصله هم وی ایغل لازم میشود

فَاعِدَةٌ

در انصال مراتب جلی اگر عدد هر دو قابل طرح بروی نباشد عدد ماقبل را بر آن میافزاییم اگر چه عدد ماقبلش بعد از طرح همان دوازده بماند مانند حرف ط و در ایقاع که با قبل آن سی و شش است و سی و شش را که دوازده دوازده طرح کنیم دوازده بماند و این قاعده در انصال غ و ظ هم جاری است نه اینکه گوی حال که عدد ماقبل بعد از طرح بروی چیزی نماند پس عدد خود دو حرف را بدون عدد ماقبل بطرح ببریم و همچنین است در انصال دو حرف عصفری

فَاعِدَةٌ

بتجرب رسیده که اگر عدد مستحضره از بیت و هشت کمتر باشد مانند مستحضره غ و ظ که از د بیت و چهار میشود و جواب ناطق نمیشود البته در ط و ح باید تغییر بدی و تصرف استادانه کنی تا ناطق شود و در صی که عدد مستحضره از بیت و هشت کمتر است همان عدد بیت و هشت را باید بطبق با وری احتیاج بطرح افلاکی و کوکی نیست و عدد کوکی را نباید علاوه کرد فقط همان عدد بیت و هشت را عمل کنی هر چند بطرح منازلی زفته باشد و این برخلاف قاعده استنباست

فَاعِدَةٌ

جدول زیر بغیر ترتیبی که در جدول دوم و سوم اول رساله ذکر شد برای اینکه نهیل تر باشد بجبت طرح در جی و منازلی ترسیم شد چنانکه در زیر هر حرفی از حروف مرقوم در جدول دوم مرتب شده عددی که در طرف راست است برای تعیین باقیمانده عدد آن حرف است پس از طرح در یعنی سی سی و عدد دیگر در طرف چپ است باقیمانده عدد آن حرف است پس از طرح منازلی (۲۸/۲۸)

طرح جلی طرح منازلی	م	ن	س
۳۰ ۲	۱۰ ۱۲	۲۰ ۲۲	۳۰ ۴
ع	ف	ص	ق
۱۰ ۱۴	۲۰ ۲۴	۳۰ ۶	۱۰ ۱۶
ر	ش	ت	ث
۲۰ ۴	۳۰ ۲۰	۱۰ ۸	۲۰ ۲۴
خ	ذ	ض	ظ
۳۰ ۱۲	۱۰ ۲۸	۲۰ ۱۶	۳۰ ۴
غ			
۱۰ ۲۰			

باب دوم در بیان قاعده مستحضره گزین

بدانکه مستحضره مرد و حرفی که با هم متصل شده از دو حال بیرون نیست یا در وقت مستحضره
 گرفتن محتاج بتلافی نیست یا محتاجیم بتلافی کردن جانی که محتاج بتلافی کردن نیست آن
 در جانی است که طبق قاعده در هر الصالی از الصالات سه گانه بطوریکه باید عمل شود در
 وقت مستحضره مستحضره گرفتن عمل شده باشد و جائیکه محتاجیم بتلافی کردن در صورتیکه
 طرح جانی که باید عمل شده باشد نشده باشد اعم از اینکه بطرح درجی زفته باشد یا بطرح منافی
 زفته باشد یا بطرح افلاکی زفته باشد یا بطرح بروجی زفته باشد یا طرح درجی و منازلی زفته
 باشد یا بطرح درجی و منازلی و افلاکی زفته باشد یا بطرح درجی و منازلی و افلاکی و بروجی زفته
 باشد پس عامل باید متوجه باشد که کدام یک از دو قسمت است و اگر از قسمتی است که تلافی
 دارد بکدام یک از طرحها زفته و ما برای فرید آگاهی احکام هر یک از دو قسمت را با طریقه
 مستحضره گرفتن را اینجا شرح خواهیم داد

اما قسمتی که تلافی ندارد

و مقدمه خاطر نشان میکنم که مستحضره حرف اول از دو حرف متصل باید از چهار حرف مستحضره
 حرف دوم گرفته شود و مستحضره حرف دوم باید از چهار حرف مستحضره حرف اول گرفته شود
 چون این مقدمه را دانستی بدان هرگاه خواستی مستحضره دو حرف را بگیری که با هم متصل شده اند قاعده
 اینست که اول چهار حرف مستحضره حرف دوم را بحساب ابجد کبیر مشهور عدد دیگری و اعداد آنرا
 با هم جمع کنی و حاصل جمع را بیت و هشت بیت و هشت طرح کنی آنچه که باقی ماند نظر کن بین
 حرف چهارم این چهار حرف کدام یک از حروف بیت و هشت گانه است از بعد آن حرف در آن
 ابجد حرف بشمار هر حرفیکه منتهی شد آن حرف مستحضره حرف اول است که به آن متصل شده و بعد
 از آن بهین دستور چهار حرف مستحضره حرف اول را نیز بحساب ابجد کبیر مشهور عدد دیگری و
 جمع کن و حاصل جمع را بیت و هشت بیت و هشت طرح کن آنچه که باقی ماند نظر کن بحرف چهارم
 مستحضره حرف اول بین کدام حرفت از بعد آن حرف در آن ابجد حرف بشمار هر حرفیکه رسید
 آن حرف مستحضره حرف دوم است برای اینکه خوب واضح شود مثالی برایت ذکر میکنم

مثال

مثلاً در سوالی که قبلاً فرض کردیم دو حرف اول که با هم متصل شدند ظا و و بود مستحضره
 مستحضره ظا این چهار حرف شد ی پ ط پی و مستحضره مستحضره و اینها حرف
 شد بین ع ل پ ل پ خواستیم مستحضره حرف ظ را بگیریم از چهار حرف مستحضره و
 بگیریم باین کیفیت عدد چهار حرف مستحضره و نهصد و ده است بحساب ابجد بگیر مشهور
 بیت وشت بیت وشت طرح میکنیم چارده باقی میماند از بعد حرف کاف در دایره ابجد
 چون بشماریم بحرف ذ میرسد میفهمیم که مستحضره ظا ذ است و بعد از آن چهار حرف
 مستحضره ظا را بحساب ابجد که مشهور عدد بگیریم یکصد و بیت و سه میشود بیت وشت بیت
 وشت طرح میکنیم باز ده باقی میماند بعد از حرف ح که حرف چهارم مستحضره ظا است در دایره
 ابجد حرف می شماریم بحرف ت میرسد میفهمیم که ت مستحضره و است باقی بر دو حرف
 که بهم متصل شوند و تلافی ندارند بهین نحو قیاس کن

اما همتی که تلافی دارد

در جایثیت که در تکامل مستحضره گرفتن بطور حی که قاعده کلیه یک از اتصالات سه گانه است
 عمل شده باشد برای داشتن آنها چند مثال بیان میکنم تا قاعده آن برای طالبین واضح باشد

مثال اول

اول در جایثیه طرح درجی و منازل نشده باشد مانند اتصال دو الف با یکدیگر چون
 الف با قبل ندارد طبق قاعده بطرح بروجی و منازلی و درجی نمرد آزا سه حساب میکنیم و
 دو الف با هم مائل و موافقند هر دو اشی هستند طبق قاعده بطرح فکلی میرود و مستحضره مستحضره
 آن از این قرار است الف اول ۳ د ۳ د ۳ میشود و مستحضره مستحضره الف دوم هم
 نیز ۳ د ۳ د ۳ است چون مجموع عدد هر یک چارده است و عدد آن بیت وشت
 زسیده محتاج بطرح نیست در دایره ابجد بعد از حرف سوم که ج است چارده حرف
 می شماریم حرف چهاردهم در آن دایره ف می باشد آن مستحضره آ است و پنجمین حرف دوم

قاعده

اگر عدد حرف مستحضره بیت وشت رسید یا همه آن بیت وشت شد محتاج بطرح
 نیست مطابق همان عدد از دایره ابجد حرف بشمار و حرف بعد از عدد را مستحضره بدان

نکته مهم

اگر در چنین شالی بقاعده ای که ذکر شد حرف گرفتاری و ناطق نشد بیت و ثمت بر مجموع عدد چهارده که عدد مستحقه الف است بیفزای آن طرح کن بانه دوازده میماند بقدر طرح منازلی بیت سی بر آن اضافه کن چهل و دو میشود بیت و ثمت از آن را که یک طرح منازلی است طرح کن بانه چهارده میماند چون هنگام مستحقه گرفتن طرح بروی هم زفته یک طرح بروی از آن کم کن دو باقی میماند در دایره ابجد بعد از حرف سوم که ج است دو عدد بشمار و حرف دوم که هـ است بنویس که آن مستحقه الف اول است و بعد از آن مستحقه الف دوم را از مستحقه الف اول که عدد آن چهارده است از دایره ابجد بعد از الف سوم حرف هشتم که ح حرف چهاردهم شود مستحقه الف دوم بدان

مثال دوم

در جایی که طرح درجی شده اما بطرح منازلی زفته مانند دو حرف اول از چهار حرف سوم مثالی که قبل فرض کردم که آن ع و ح است و مستحقه مستحقه ع (ق ص و د) است و عدد آن با صد و نود میباشد و از طرح بیت و ثمت بیت و ثمت باقیمانده چون در وقت مستحقه کردن طرح منازلی که قاعده کلیه این افعال است زفته در اینجا بعد از حرف و در دایره ابجد بیت و ثمت حرف میثایم و حرف بیت و ثمت را که خود حرف و باشد مستحقه حرف ح بنویسیم و تلافی طرح منازلی را از مستحقه مستحقه چهار حرف که لای لال است میکنیم باین کیفیت که عدد مجموع این چهار حرف نود میشود بیت و ثمت و ثمت طرح میکنیم شش باقی میماند بیت و ثمت بر آن اضافه میکنیم و چهار میشود پس از طرح بیت و ثمت همان شش باقی میماند از حرف ل در دایره ابجد میثایم حرف ششم ص مستحقه ع شود

مثال سوم

جایی که طرح بروی عدد مرتبه ای نشده مانند افعال ح و ق که دو حرف سوم و چهارم چهار حرف سوم فرض سوال گذشته است چهار حرف مستحقه مستحقه ق ابجد و ثمت شش خ ت که عدد آنها جمعا یک هزار و هفتصد میشود پس از طرح بیت و ثمت بیت و ثمت باقیمانده دوازده که یک طرح بروی است و هنگام مستحقه گرفتن بطرح زفته قاعده کلیه این افعال است از بیت کم میکنیم ثمت باقی میماند بعد از حرف و در دایره ابجد ثمت میثایم حرف ثمت (ب) است آن مستحقه ح خواهد بود و مستحقه مستحقه حرف ح که (م ل س م) است عدد آن جمعا یکصد و هفتاد میشود بیت و ثمت و ثمت طرح میکنیم دو باقی میماند از بعد م در دایره ابجد دو حرف میثایم حرف دوم که س است مستحقه ق است باقی حرفیکه تلافی دارد آنچه مثال زدیم قیاس کن

مثالهای هفتم در فرازشند اولی

مثال اول در جایگاه احاد با عشرات اتصال پیدا کند و عدد مرتبه حلی آن قابل باشد همانند اتصال پیدا کردن ذی باع بدانکه در مرتبه هفتم احاد است و در مرتبه هفتم عشرات هفت و هفت چهارده میشود از این طرح بروی میسریم نه در یاقه انداز بعد از دو حرف میثا بریم در دایره ابجد بحرف ی میسرید و از حرف ی نیز در همان دایره دو حرف میثا بریم بخانه ق میسرید میفریم از این اتصال ی وقت حاصل شد هر دو در در خانه جدا جدا میفریم

مثال دوم در جایگاه احاد با عشرات متصل شود و عدد مرتبه حلی آن قابل طرح نباشد مثل ب و م عدد مرتبه حلی ب دو و مرتبه حلی م چهار حجابش شد قابل طرح بروی نبود لذا عدد مرتبه حرف ماقبل ب که یک بود با عدد م ماقبل م که سه بود بران افزودیم ده شد باز بطرح بروی نوقت بطرح کواکی بریم سه بانه مانند از بعد ب در دایره ابجد سه خانه شمریم بحرف و آورسید و از بعد بیم نیز در همان دایره سه حرف شمریم بحرف ق رسید دانستیم مستحضر ب و م و ق شد وقت محاسبه گرفتن باید طرح بروی ملائمه شود تا فاعده بهم نخورد مثال سوم در جایگاه احاد با عشرات متصل شود و قابل طرح نباشد و ماقبل با بعد هم نداشته باشد مثل ای که آ و ی با هم اتصال پیدا کند عدد مرتبه حلی هر دو یک است چهار دو میشود از الف دو حرف میثا بریم و از ی نیز دو حرف میثا بریم در مستحضر الف و میم مستحضر ی میشود در این مثال نیز وقت محاسبه گرفتن باید طرح بروی ملائمه شود و بر همین فایده است بانه اتصالات هفتم اولی

در امثالهای صور فتمت دوم که اتصال احاد بامات و
عشرات بالف و امات با احاد و الف با عشرات باشد بدانکه این چهار اتصال هر
کدام بکمرته از هم دورند و حکم هر یک از اینها اینست هر یک از دو حرفی که از این چهار
متممند عدد مراتب حلی ایشان را گرفته و عدد مراتب حلی ایشان را نیز گرفته عدد
و این تفاوت مراتبی ایشان را بر عدد حاصل طرح اتصال عدد مراتب حلی ایشان
اذا شد و حرف مطلوب گیرند در اینجا نیز برای هر یک از این چهار مثالی میآورم

مثال اول بدانکه مثال جائیکه احاد بامات متصل شود مانند فصل شدن دال که در
مرتبه احاد است با شین که در مرتبه امات است دال در مرتبه احاد و شین در مرتبه امات
سه است جمعا هفت میشود چون قابل طرح بروی نیست که قاعده کلیه این اتصال است
نه عدد حروف ما قبل دال و شین را بر عدد مراتب حلی هر دو که هفت میباشد میفرایم
مجموعاً شانزده میشود از این طرح بروی میبریم چهار باقی میماند چهار حرف از بعد
دال می شماریم بحرف ظاهر رسد اینجا قاعده کلیه در اتصال احاد بامات اینست که از این
عدد مراتبی حلی دال و شین یکی با همدگر تفاوت داشت یعنی دال در مرتبه چهارم و شین
در مرتبه سوم بود و ما به تفاوت مرتبش یکی بود بگوایر چهار که میافزایم بحرف ظاهر
میرسد از بعد دال و بحرف ظاهر رسد از بعد شین پس مستحضر دال و شین در این اتصال
طام و ظا میشود باقی را بر همین نحو قیاس کن مثال دوم در جائیکه عشرات بالف متصل
شود مانند اتصال عین با عین عین در مرتبه عشرات و عین در مرتبه الف است عین در
مرتبه عشرات هفت است و عین در مرتبه الف یک جمعا هشت میشود چون قابل طرح بروی
نمیباشد قاعده کلیه این اتصال است نیست نیست و یک که عدد ما قبل عین است بر آن میافزایم
و جمع یکیت و نه میشود بعد از طرح بروی پنج باقی میماند عدد مراتبی عین و عین را که دو

حیما راست جمعا شش میشود بر پنج باقیانده میافزایم بازده میشود از بعد عین بازده
 ن در دانه اجد می شماریم بحرف عین میرسد و از بعد عین نیز بازده حرف می شماریم
 ن لام میرسد پس مستحضره عین و عین در این اتصال عین و لام میشود مثال چهارم
 جابکه مات با احاد متصل شود مانند تا و طاء تا در مرتبه مات و طاء در مرتبه احاد

تدریج عدد ما قبل قی رشت عدد ما قبل اب ج د ه و ز ح (ط ح ر

$$\begin{array}{r} 1760 \\ 29 \end{array} \quad \begin{array}{r} 21 \\ 10 \end{array} = 36$$

تا در مرتبه مات چهار و طاء در مرتبه احاد بکت جمعا پنج میشود قابل طرح بروی که قاعده
 کلیه این اتصال است بکت لفظا شش که عدد ما قبل ناء است و سی و شش که عدد ما قبل
 طاء است بر پنج میافزایم حاصل و هفت میشود بطرح بروی میبریم بازده باقی میماند از بعد
 ناء در دانه اجد بازده حرف می شماریم بحرف واو میرسد و از بعد طاء نیز بازده حرف
 می شماریم بحرف سین میرسد پس مستحضره تا و طاء و آ و شین خواهد بود باقی را بهین قیاس
 مثل چهارم الف با عشر است مانند عین با یاء عین در مرتبه چهار و با د و مجموع شش
 میشود قابل طرح بروی بکت عین در مرتبه یک و باء نیز بکت جمعا د و مجموعا هشت میشود
 یا قابل طرح بروی که قاعده کلیه این اتصال است بکت لفظا پنج که اکی میبریم باقی
 میماند بعد از عین در دانه اجد بحرف می شماریم و حرف دوم که باء باشد برای عین
 مستحضره میگیریم و بعد از باء بحرف می شماریم بحرف لام میرسد پس مستحضره عین باء و مستحضره
 یاء لام میشود و در وقت مستحضره گرفتن طرح بروی را انداخته میگیریم

۱	۳	د	۳	۱	۶	د	۴	۱	۹	ک	د	۷	۱	ن	ل	۹	د	۱۱	ز
۱	۳	د	۳	ب	۶	م	۵	۴	ج	۹	م	و	۷	د	۱۲	ن	۹	ز	۱۱
در انتقال کلی الف با الف				این اعداد عدد				نماد درجی و				نماد درجی باید شود				طرح منازل شده			
ما بعد خود چون ما قبل				خود انتقال است				منازل باید شود											
نداشت خودش نوشته شد				با حرف متصل علیه															
و چون الف متصل با الف شد				بدون عدد جزء															
عدد آن دو میشود جزء				در صفحه در مسئله															
صغیر را علاوه کرده سه				باید نماد درجی															
میشود آنرا نوشته چون				و منازل شود چون															
طرح درجی و طرح بر				در اینجا با بل طرح															
نرفته است وقت مسئله				برجی و منازل															
گرفتن باید این دو طرح				بنوده															
نماد شود چنانچه شرح																			
آن بعد از این خواهد آمد																			

۸	۷	۶	۵
۱۴ ج د ج	۲۱ ج د ز ج	۱۸ ج د ل	۱۵ ج د و
۲۴ ی ک ی	۲۱ ط ی م	۱۸ ح ط ف	۱۵ ز ح ی
مکام محصله	مکام محصله	مکام محصله	مکام محصله
درجی و مضارلی	درجی و مضارلی	درجی و مضارلی	درجی و مضارلی
باید شود	باید شود	باید شود	باید شود

۱۱	۱۰	۹
۳ ه ک ه	۲ دی ه	۲۷ ی د ل
۳ س ش س	۲ ق ن ک	۲۷ ص ل ر ی

نزدیک درجی و مضارلی
باید شود

نزدیک درجی باید شود
طرح درجی شده و طرح
زیرا که طرح مضارلی شد
مضارلی نرفته باید نلانی
عدد رومی منتهی شده
شود بدون عدد سابق
بیت و هشت طرح شده
نوشته شده
دو باقی ماند نوشتیم
در محصله باید نلانی
درجی شود

۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۶ و د ه ۷	۱ م د ه ۱۱	۱ ع د ه و	۱ ق ج ه ک
۶ ر س ع ۷	۱ م ا ذ ع ف ا ص	۱ ن ع ا ف ص ق	۱ م ی و ف ق ذ
طرح درجی فیه	طرح درجی فیه	طرح درجی فیه	طرح درجی رفته
طرح منازلی	طرح منازلی باید	طرح منازلی باید	طرح منازلی باید
باید نلافه شود	نلافه شود	نلافه شود	نلافه شود
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
ر ج ه ز	۱ ث ط ه ج	۱ ض ط ه ل	۱ ا د و ع
ز ص ر ت	۱ ف ک ز ش ق	۱ ص س ض ت ا	۱ ق ق ت خ ۴
۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
د د و ه	۱ ز و و ۷	۱ ی و و ن	۱ م ه و ح ح
ث ث ذ ه	۱ ش ط ض ۷	۱ ت ج ط ظ ز	۱ ث ز ط غ ب ل
۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
ع ه و ج غ	۱ ق د و ن ح	۱ ت د و د	۱ خ و و د
ل غ ا ص ذ	۱ س غ ب ی ر ض ق ا ج	۱ ظ ت د د ب	
۲۸			
ض و ز ه			
ذ ه و ه			

باب الباء

۳۲		۳۱	۳۰		۲۹
ب ۱ ل ه د ۱ ن ز و ی	ب ۹ ل ه د د ۱ م و ط	ب ۶ ل ه د ج ۶ م و ط	ب ۴ ل ه د ب ۴ م و ط	ب ۴ ل ه د ب ۴ م و ط	ب ۴ ل ه د ب ۴ م و ط
۳۶		۳۵	۳۴		۳۳
ب ۶ ا د ه و ۶ ا ی ک ل	ب ۶ ا د ه و ح ۶ ا ی ک ل	ب ۶ ا د ه و ح ۶ ا ی ک ل	ب ۶ ا د ه و ح ۶ ا ی ک ل	ب ۶ ا د ه و ح ۶ ا ی ک ل	ب ۶ ا د ه و ح ۶ ا ی ک ل
۴۰		۳۹	۳۸		۳۷
ب ۹ ا ی ه و ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ل ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ل ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ل ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ل ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ل ۹ ا ی ک ل
۴۴		۴۳	۴۲		۴۱
ب ۹ ا ی ه و م ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ع ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ع ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ع ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ع ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ع ۹ ا ی ک ل
۴۸		۴۷	۴۶		۴۵
ب ۹ ا ی ه و ف ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ر ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ر ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ر ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ر ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ر ۹ ا ی ک ل
۵۲		۵۱	۵۰		۴۹
ب ۹ ا ی ه و ش ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ن ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ن ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ن ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ن ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ن ۹ ا ی ک ل
۵۶		۵۵	۵۴		۵۳
ب ۹ ا ی ه و ذ ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ض ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ض ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ض ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ض ۹ ا ی ک ل	ب ۹ ا ی ه و ض ۹ ا ی ک ل

باب الحبي

٥٧	٥١	٥٩	٥٨
ج زو و ٧	ج ط م و ٩	ج ك و و ع ١٨	ج و ٧
ا ه د د ٧	ب ح ل ه ٩	ج ك و و ع ١٨	د ٧
٦١	٦٢	٦٣	٦٤
ج ٩ ه و ١٨	ج ا ه و ر ١١	ج ا ه و ن ١٣	ج ا ه ١٥
ه و ز ح س و	ا ح ط ي ز	ا ط ي ص ١٣	ح ا ي ١٥
٦٥	٦٦	٦٧	٦٨
ج ١٧ و و ع	ج ا و ز ك ١٩	ج ا ل ز ٩	ج ا ل ١٣
ط ١٧ ل ل ت	ي ا م ن ص ١٩	ك ا ر س ٩	ل ا ل ١٣

٦٩	٧٠	٧١	٧٢
ج ٢٥ ز ز ح	ج ٢٧ ز ز م	ه و ز ز	ج ز و ز ن
م ٢٥ ف ف ص	ن ٢٧ ص ص ح س	ف ص ق ق ع	ع ر ق ر ط
٧٣	٧٤	٧٥	٧٦
ج ط و ز ي	ج ل و ز ع	ج م ك ح ٧	ج س ك ح ٩
ف ث ر ش خ	ص ض ش ت ج	ق ا ظ خ ٧	ر د غ خ ٩
٧٧	٧٨	٧٩	٨٠
ج ف ز ح و	ج ق ز ح ه	ج ش ح ح م	ج ث ح ح ز
ش ز ن ص و	ت ي ض ظ ط	م غ غ ه	ع ا ا ع
٨١	٨٢	٨٣	٨٤
ج ز ح ح ط	ج ظ ح ح ي	ج ا ح ح ع	ج و ط ٧
ذ ق ب ب ح	ض ت ج ح ه	ظ ز د د ل	ع ج و ٧

باب الدال

٨٨		٨٧		٨٦		٨٥	
د م ز ز م	د	د ل ز ز ط	د	د ط ن ز و	د	د ز ن ز ا	د
د م ز ز م	د	د ی و و ل	د ج	د ز ل ه د	د ب	د ل د ا	د ا

٩٢		٩١		٩٠		٨٩	
د ١٤ و ز ف	د	د ١٢ و ز ر	د	د ١٠ و ز ل	د	د س و ز و	د
د ١٤ ی ل ک	د ح	د ١٢ ط ی ی	د ز	د ١٠ ح ط ن	د و	د ع ز ح ز	د ه

٩٦		٩٥		٩٤		٩٣	
د ٢٢ و ح ط	د	د ٢٢ م ح و	د	د ١٨ ز ح ا	د	د ١٨ ن ز و	د
د ٢٢ ن ع ف	د ل	د ٢٢ ر س م	د ل	د ١٨ م ل ک	د ی	د ١٨ ل ل ک	د ط

١٠٠		٩٩		٩٨		٩٧	
د ز ز ح ز	د	د ه ز ح ل	د	د ٢٦ ح ح و	د	د ٢٤ و ح م	د
د ق ق ر ق	د ع	د ع ص ق ت	د س	د ٢٦ ص ص ع	د ن	د ٢٤ س ف ت	د م

١٠٤		١٠٣		١٠٢		١٠١	
د س ل ط و	د	د م ل ط ع ا	د	د ل ز ح و	د	د ط ز ح ف	د
د ج غ ذ ت	د ر	د غ ط خ ه ا	د ق	د ذ ش ت ر	د ص	د ت ر ش ب	د ف

١٠٨		١٠٧		١٠٦		١٠٥	
د ث ط ط ل	د	د ش ط ط و	د	د ق ح ط ه	د	د ف ح ط ط ا	د
د س ا ا د	د خ	د ل غ غ ص ح	د ث	د ط ض ط ه ج	د ت	د و ذ ص ظ ط	د ش

١١٢		١١١		١١٠		١٠٩	
د ج ز ی ا	د	د ا ز ط ط ه	د	د ظ ط ط ف	د	د ذ ط ط ه	د
		د خ ب د ا	د ا	د ش ج د ک	د ا	د ص ب ب ح ا	د

باب الحاء

۱۱۶	۱۱۵	۱۱۴	۱۱۳
م زح م	م زح م	م ط زح ل	م زح ی م
ا ج ج د و ب	ج ط م و م	ج ط م ط	ا ج ج د و ب
۱۲۰	۱۱۹	۱۱۸	۱۱۷
م س ح ح ک	م ق ی ح ص	م ف ح ح ص	م س ح ح ک
م س ح ح ک	ح ش م ی ر	و ص ط ط ق	م س ح ح ک
۱۲۴	۱۲۳	۱۲۲	۱۲۱
م ه ا س ح ح	م ه ا س ط ط	م ه ا س ط ط	م ه ا س ح ح
ط ه ا ق ل ل ی	ل ه ا س ص ل	ک ه ا ر ن س	ط ه ا ق ل ل ی
۱۲۸	۱۲۷	۱۲۶	۱۲۵
م ز ط ط ص	م ز ط ط ص	م ز ط ط ص	م ز ط ط ص
م ز ط ط ص	ع ص ص ر ا	س ق ص ش	م ز ط ط ص
۱۳۲	۱۳۱	۱۳۰	۱۲۹
م ط س ط ز	م م س ی ل ی	م ل س ط ح	م ط س ط ز
ف ش ط ش ک	ر ط ا ل ی	ق ط ا ل ی	ف ش ط ش ک
۱۳۵	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۲
م ش ز ی ص	م ش ز ی ص	م ش ز ی ص	م ش ز ی ص
م ش ز ی ص	م ش ز ی ص	م ش ز ی ص	م ش ز ی ص
۱۳۹	۱۳۸	۱۳۷	۱۳۶
م ذ س ی ص	م ذ س ی ص	م ذ س ی ص	م ذ س ی ص
م ذ س ی ص	م ذ س ی ص	م ذ س ی ص	م ذ س ی ص

باب الأول

١٤١	١٤٢	١٤٣	١٤٤
و زى ط ف	و ط ح ط ق	و ل ح ط ي	و م ح د
ا ب ج د ل	ب م ن ح ص ه	ج ح ه و ز	د ل ر د
١٤٥	١٤٦	١٤٧	١٤٨
و س ط ط ق	و ف ط ط ق	و ق ع ط ح	و ش ع
ه ن ح ح ص	و ف ط ط ق	ز ر ع ي ط	ح ث ع
١٤٩	١٥٠	١٥١	١٥٢
و ث ع ط ي	و ث ع ي ف	و ز ي ق	و ظ ي
ط ض ق ل م	ي ط ر ن ث	ك ب ص خ	ل ه ي
١٥٣	١٥٤	١٥٥	١٥٦
و ا ل ي ن	و ج ل ي ق	و ه ا ي ق	و ز ا ي ح
م ح ص ف ث	ن ل ق ص ط	س ن ي ق غ	ع ف ي ر ص
١٥٧	١٥٨	١٥٩	١٦٠
و ط ع ي ط	و ل ع ي ي	و م ع ل ح	و س ع ل ح
ف ر ط ش ر	ص ث غ ت ت	ق ض ا خ	ر ا ب ذ ه
١٦١	١٦٢	١٦٣	١٦٤
و ف م ل ي	و ق م ل ن	و س ي ل ق	و ث ح ل ق
ش د غ ض خ	ت ز ط ظ ب	ث ي ل غ ح	خ م ض ا ط
١٦٥	١٦٦	١٦٧	١٦٨
و ذ ع ل ي	و ظ ع ل ط	و ا ع ل ك	و ج ع ل ف
ذ ع ز ب ظ	ض ق ح ج ا	ظ ت ط د ج	ع ذ ي و م

باب التزاد

١٧٢		١٧١		١٧٠		١٦٩	
م ط ي ز	ز	ك ط ي ز	ز	ط ط ي س	ز	٢٧ ط ي م	ز
ي و ز ز	د	ر ه و ك	ج	د د ه ي	ب	٢٧ ج د ز	ا
١٧٦	ز	١٧٥	ز	١٧٤		١٧٣	
ش ي ك	ح	ق ي ي ي	ز	ف ع ي ط	و	س ع ي ر	ز
ت ك ل		ق ي ي ي	ز	ع ع ط خ		م ع ح ض	هـ
١٨٠		١٧٩		١٧٨		١٧٧	
ظ ف ك ص	ز	ظ ف ك س	ز	د ي ك م	ز	ث ٧ ي ل	ز
د ت ع ك	ل	ج ش س ك	ك	غ ٧ ن ع	ي	ز ٧ ل ن	ط
١٨٤		١٨٣		١٨٢		١٨١	
ل ل ل ي	ز	ه ل ل ط	ز	ج ا ك ر	ز	ا ا ك ي	ز
ر ش ر ق	ع	م ر ق ك	س	ي ا ص ط	ن	ز ا ف ع	م
١٨٨		١٨٧		١٨٦		١٨٥	
س ف ل و ك	ز	م ف ل م	ز	ك ك ل	ز	ط ف ك و ك	ز
ع ب ذ ع	ر	ذ ا خ ك	ق	ت ت ت ك	ص	ق ط ش ش	ف
١٩٢		١٩١		١٩٠		١٨٩	
ث ن ل ط	ز	ث ن ل ر	ز	ق ط ل ي	ز	ف ط ل ي	ز
ل ج ا ط ر	خ	ط ب غ ح	ث	و خ ظ ك	ت	ج ث ص و ك	ث
١٩٦		١٩٥		١٩٤		١٩٣	
ج ف م م	ز	ا ف ل ل	ز	ظ ف ل ك	ز	ذ ف ل ي	ز
خ ي و هـ	ع	ش ط د د	ظ	ص ح ج ب	ض	س ز ب ع	ذ

باب الحاء

٢٠٠		١٩٩		١٩٨		١٩٧	
ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح
٢٠١	٢٠٢	٢٠٣	٢٠٤	٢٠٥	٢٠٦	٢٠٧	٢٠٨
ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح
٢٠٩	٢١٠	٢١١	٢١٢	٢١٣	٢١٤	٢١٥	٢١٦
ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح
٢١٧	٢١٨	٢١٩	٢٢٠	٢٢١	٢٢٢	٢٢٣	٢٢٤
ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح
٢٢٥	٢٢٦	٢٢٧	٢٢٨	٢٢٩	٢٣٠	٢٣١	٢٣٢
ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح
٢٣٣	٢٣٤	٢٣٥	٢٣٦	٢٣٧	٢٣٨	٢٣٩	٢٤٠
ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح

٢٢١	٢٢٢	٢٢٣	٢٢٤	٢٢٥
ح	ح	ح	ح	ح
٢٢٦	٢٢٧	٢٢٨	٢٢٩	٢٣٠
ح	ح	ح	ح	ح

بَابُ الطَّاءِ

٢٢٩	٢٢٨	٢٢٧	٢٢٦	٢٢٥
ط س ق ل ل	ط م ق ل ل	ط ك ق ل ت	ط ط ٢٧ ل ت	ط ف ٢٥ ل ر
ط ل س ح ح	ط م ن ز و	ط ه م و ع د	ط ج ٢٧ ه م س	ط ب ٢٥ ذ ل ج
٢٣٤	٢٣٣	٢٣٢	٢٣١	٢٣٠
ط ذ ك م ر	ط ث ا ل ع	ط ش ٧ ل س	ط ق ٧ ل ن	ط ف ق ل م
ط ض ل ن ش	ط ث ا ل ع	ط ر ٧ ك ن	ط ح ف ٧ ل	ط ن ع ط ك
٢٣٩	٢٣٨	٢٣٧	٢٣٦	٢٣٥
ط ز ق م م	ط ه ف م ل	ط ج ف م ك	ط ا ا م ت	ط ظ ا م ت
ط م ذ ق ق	ط م ت ص ف	ط ز ش ف س	ط م د ا ع ذ	ط ل ا ش ح
٢٤٤	٢٤٣	٢٤٢	٢٤١	٢٤٠
ط س ك ن ن	ط م ك ن ص	ط ك م م ع	ط ط م م س	ط ر ق م ر ن
ط ص ت ذ ه	ط ث ش ح ح	ط ر ت ت ذ	ط ف ش ش ث	ط ف ص ر ش ف

٢٩٢		٢٩١		٢٩٠		٢٨٩	
ك	ث	س	خ	ك	ذ	ع	ع
ط	ش	م	ت	ي	خ	ع	س
٢٩٤		٢٩٥		٢٩٦		٢٩٣	
ك	ج	ش	ع	م	ك	هـ	ش
م	هـ	ث	ص	س	ن	ح	خ
٣٠٠		٢٩٩		٢٩٨		٢٩٧	
ك	ك	م	ع	س	ك	ف	ق
ف	ف	ق	ت	ش	ص	ر	ر
٣٠٤		٣٠٣		٣٠٢		٣٠١	
ك	ك	ق	ن	ف	م	ك	ق
ش	ط	خ	ظ	و	ت	ب	ذ
٣٠٨		٣٠٧		٣٠٦		٣٠٥	
ك	ك	ظ	م	ف	س	ك	ا
ذ	ك	ظ	ن	غ	د	ب	ظ
٣١٢		٣١١	باب الراء			٣٠٩	
ل	ل	٢٢	ص	ع	٧	ل	ل
١	٢٢	د	هـ	٧	ب	٢٤	ل
هـ	و	ح	ط	د	٢٤	ل	ز

٣١٦		٣١٥		٣١٤		٣١٣	
ل شت ع ق	ل	ل ق ت ع ق	ل	ل ف ٧ س ج	ل	ل س ٧ ع ت	ل
فصل ل	ح	ن ف ل	ز	ك ٧ ي ي	و	ج ٧ ط س	ه
٣٢٠		٣١٩		٣١٨		٣١٧	
ل ا ع ف ذ	ل	ل ط ع ف ٩	ل	ل ذ ٦ ف ٧	ل	ل ث ٦ ع ذ	ت
ل ا ع ف ذ	ل	ل ض س ع ٩	ك	ل ث ٦ س ٧	ي	ل ر ٦ م ت	خ ط
٣٢٤		٣٢٣		٣٢٢		٣٢١	
ل ط ر ف ت	ل	ل ز ق ف ع	ل	ل ه ب ف ت	ل	ل ج ت ف ف	ل
م خ ش ظ	ع	ي ث ر ق	س	ز خ ق خ	ن	د ث ص ص	م
٣٢٨		٣٢٧		٣٢٦		٣٢٥	
ل ف ع ص ٩	ل	ل س ع ص ٧	ل	ل م ن ف ذ	ل	ل ل ب ن ف ق	ل
ل ذ خ ض ٩	ر	ل ت ث ذ ٧	ق	ل ق ر ث ج	ص	ل ع ق ت خ	ف
٣٣٢		٣٣١		٣٣٠		٣٢٩	
ل ث ت ص ع	ل	ل ش ت ص ت	ل	ل ش س ص ف	ل	ل ق ش ص ذ	ل
ل ز و ب ش	خ	ل د ه ا ه	ث	ل ج ذ غ ط	ت	ل غ خ ط و ت	ش
٣٣٦		٣٣٥		٣٣٤		٣٣٣	
ل ج ن ق ٧	ل	ل ان ص ص	ل	ل ظ ن ص ح	ل	ل ظ ن ص ث	ل
ل ش ت ص ع	ل	ل ا ه ا ه	ل	ل م ع د ر ه نا	ل	ل ا ط ا ج ح	ذ

۲۴۱	۲۴۷	۲۴۶	۲۴۵		
ط ث ل ن م	ط ث ل ن م	ط ق ن ك	ط ف ق ن ك	ط	ط
ی ط ا غ	ی ط ا غ	ت د ط ا غ	ت د ط ا غ	ت	ت
۲۵۲	۲۵۱	۲۵۰	۲۴۹		
ط ج ل س م	ط ا ل ن ع	ط ظ ل ن ع	ط ذ ل ن ن	ط	ط
ت ج و ك	ت ج و ك	ت ج و ك	ت ج و ك	ت	ت
بسم الله الرحمن الرحيم					
۲۵۶	۲۵۵	۲۵۴	۲۵۳		
ی م ز ن ا	ی م ز ن ا	ی م ز ن ا	ی م ز ن ا	ی	ی
د ز ن ح ا	د ز ن ح ا	د ز ن ح ا	د ز ن ح ا	د	د
۲۶۰	۲۵۹	۲۵۸	۲۵۷		
ی ش و ن ل	ی ق و ن ع	ی ف ر ن م	ی س ر ن م	ی	ی
ح ق و ل ی	ح ع و ل م	م ع ی ف	و م ع ی ف	و	و
۲۶۴	۲۶۳	۲۶۲	۲۶۱		
ی ا و س ی	ی ظ و س ع	ی ذ ن س ی	ی ث ن ن س	ی	ی
ل ج و ح ی	ل غ و ع ی	ل ذ ن س ی	ل ت م م ر	ل	ل
۲۶۸	۲۶۷	۲۶۶	۲۶۵		
ی ط ر س ع	ی ز ر س ش	ی ه ص س ی	ی ج ص س ا	ی	ی
ع س ص ش	ع ل ذ ر ص	ن ط ت ق ق	ن و ش ص ا	ن	ن

۲۷۲		۲۷۱		۲۷۰		۲۶۹	
ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی
س	س	م	ق	ق	ص	ص	ف
ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
۲۷۴		۲۷۵		۲۷۴		۲۷۳	
ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی
ث	ث	ش	ش	ق	ق	ف	ی
م	م	م	م	ر	ر	ر	ف
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش
ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط	ط
ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
۲۸۰		۲۷۹		۲۷۸		۲۷۷	
ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی
ج	ج	ال	ال	ظ	ظ	ذل	ی
ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ذل
ف	ف	ف	ف	ف	ف	ف	ذل
ه	ه	ه	ه	ه	ه	ه	ذل
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	ذل
ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ذل

بَابُ الْكَافِ

۲۸۴		۲۸۳		۲۸۲		۲۸۱	
ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی
م	م	۲۷	۲۷	۲۵	۲۵	۲۳	ک
ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ک
س	س	س	س	س	س	س	ک
ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ک
ع	ع	ع	ع	ع	ع	ع	ک
ر	ر	ر	ر	ر	ر	ر	ک
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ذ	ک
۲۸۸		۲۸۷		۲۸۶		۲۸۵	
ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی
ش	ش	ق	ق	ف	ف	س	س
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	س
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	س
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	س
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	س
ش	ش	ش	ش	ش	ش	ش	س

باب الميم

٣٤٠	٣٣٩	٣٣٨	٣٣٧
م ٢٧ س فت	م ٢٥ ش فص	م ٢٣ ص فس	م ٢١ ع ف
م ٢٧ و ح	م ٢٥ ز ح	م ٢٣ ز و د	م ٢١ د ه ا
٣٤٤	٣٤٣	٣٤٢	٣٤١
م ٢٧ س ا فص	م ٢٥ ق ا فص	م ٢٣ ف ص فس	م ٢١ س ص فس
م ٢٧ ل س	م ٢٥ ل ك ي ح	م ٢٣ ي ط ن	م ٢١ ز ي ط ز و
٣٤٨	٣٤٧	٣٤٦	٣٤٥
م ٢٧ ا ص ص	م ٢٥ ا ص ص	م ٢٣ ا ص ص	م ٢١ ا ص ص
م ٢٧ غ ت ف	م ٢٥ غ ت ف	م ٢٣ غ ت ف	م ٢١ غ ت ف
م ٢٧ ط ا ص ع	م ٢٥ ط ا ص س	م ٢٣ ط ا ص س	م ٢١ ط ا ص س
م ٢٧ ل ا س ق	م ٢٥ ل ا ر ث	م ٢٣ ل ا ر ث	م ٢١ ل ا ر ث
م ٢٧ ف ا ق	م ٢٥ ف ا ق	م ٢٣ ف ا ق	م ٢١ ف ا ق
م ٢٧ خ و ص	م ٢٥ خ و ص	م ٢٣ خ و ص	م ٢١ خ و ص
٣٥٠	٣٥٩	٣٥٨	٣٥٧
م ٢٧ ف ا ق س	م ٢٥ ف ا ق س	م ٢٣ ف ا ق س	م ٢١ ف ا ق س
م ٢٧ ف ا ق س	م ٢٥ ف ا ق س	م ٢٣ ف ا ق س	م ٢١ ف ا ق س

٣٥٤	٣٥٣	٣٥٢	٣٥١
م ٢٧ ج ث ر كن	م ٢٥ ا ث ق س	م ٢٣ ا ث ق ص	م ٢١ ذ ع ق ع
م ٢٧ ص ي ز كن	م ٢٥ س ط ه ا	م ٢٣ س ط ه ا	م ٢١ ط غ ج ع

باب النون

٣٦٨	ن	٣٦٧	ن	٣٦٦	ن	٣٦٥	ن
ص ص ع	ن	ص ص ع	ن	ص ص ع	ن	ص ص ع	ن
ح ح و	د	ح ح و	د	ح ح و	د	ح ح و	د
٣٧٢		٣٧١		٣٧٠		٣٦٩	
ش ١ ص ع	ن	ق ١ ص ط	ن	ق ١ ص ط	ن	ق ١ ص ط	ن
س ١ ل كى	ح	ل ١ ك ك	ز	ل ١ ك ك	ز	ل ١ ك ك	ز
٣٧٦		٣٧٥		٣٧٤		٣٧٣	
خ ق خ	ن	خ ق خ	ن	خ ق خ	ن	خ ق خ	ن
ظ ت ف بت	ل	ظ ت ف ص	ل	ظ ت ف ص	ل	ظ ت ف ص	ل
٣٨٠		٣٧٩		٣٧٨		٣٧٧	
ط ع ق ظ	ن	ز ١ ق ظ	ن	ز ١ ق ظ	ن	ز ١ ق ظ	ن
ك ص ش ا	ع	ح ١ ر ع	س	ح ١ ر ع	س	ح ١ ر ع	س
٣٨٤		٣٨٣		٣٨٢		٣٨١	
ف ف ر ش	ن	س ف ر ق	ن	م خ ق ف	ن	م خ ق ف	ن
ث ص ظ	ر	ر ت ذ ح	ق	ف خ ث ش	ص	ف خ ث ش	ص
٣٨٨		٣٨٧		٣٨٦		٣٨٥	
ذ ص ه ظ	ن	ث ص ر ش	ن	ش ع ر ع	ن	ق ع ر خ	ن
ز غ ب ط	خ	د ظ ا ب	ث	ا خ ع خ	ت	ص ث ط ج	ش
٣٩٢		٣٩١		٣٩٠		٣٨٩	
ج خ ش ن	ن	ل ف ر ف	ن	ظ ف ر ع	ن	ظ ف ر ط	ن
ف ي ز ه ح	ع	ن ب م ب	ظ	ض ك ا د غ	ن	ي غ ج ي	ن

باب السین

۳۹۶	س ۲۵ ص ق ش	۳۹۵	س ۲۳ ص ق ق	۳۹۴	س ۲۱ ف ق ط	۳۹۳	س ۱۹ ف ق خ
	د ۲۵ ز ح ل		ج ۲۳ و ز ن		د ۲۱ و ک		ب ۱۹ ج ۵ ل
۴۰۰	س ۲۷ ر ق ص	۳۹۹	س ۲۵ ر ق ف	۳۹۸	س ۲۳ ف ق ع	۳۹۷	س ۲۱ ف ق ع
	ح ۲۷ ن م ل		ز ۲۵ ل ک ط		ح ۲۳ ح ۱ ق		و ۲۱ ط ص
۴۰۴	س ۲۹ ا ث ر	۴۰۳	س ۲۷ ط ث ر ع	۴۰۲	س ۲۵ ز ذ ر ض	۴۰۱	س ۲۳ ث ذ ق
	ل ۲۹ ض ق ف ع		ک ۲۷ ث ق ع ح		ی ۲۵ ر ر س ش		ط ۲۳ ف ق م
۴۰۵	س ۳۱ ل ص ر	۴۰۴	س ۲۹ ط ص ر	۴۰۳	س ۲۷ ز ص ر ع	۴۰۲	س ۲۵ ج ۸ ر ث
	ف ۳۱ م ر ت		ع ۲۹ ی ق ش ص		ع ۲۷ ز ص ر ع		س ۲۵ ج ۸ ر ث

۴۱۳	س ۳۱ ق ق ش ق	۴۱۲	س ۲۹ ف ذ ش ع	۴۱۱	س ۲۷ س ذ ش ص	۴۱۰	س ۲۵ م ص ر
	ش ۳۱ ذ ذ ط		ر ۲۹ ت ب ض ح		ق ۲۷ ق ا ذ ب		ع ۲۵ ش ث ت
۴۱۶	س ۳۳ ص ث ر	۴۱۵	س ۳۱ ذ ف ش ع	۴۱۴	س ۲۹ ث ف ش ع	۴۱۳	س ۲۷ ش ق ش
	ن ۳۳ ف ت ق		خ ۳۱ و ض ب ط		ج ۲۹ ج ذ ا ح		غ ۲۷ ص غ ب
۴۲۰	س ۳۵ ج ص ت	۴۱۹	س ۳۳ ج ص ش ق	۴۱۸	س ۳۱ ا ذ ش ص	۴۱۷	س ۲۹ ظ ذ ش ف
	ع ۳۵ ج ز ک		غ ۳۳ س ب ه ج		ض ۳۱ ل ح د ا		ط ۲۹ ج ط

باب الحين

٤٢٤	٤٢٣	٤٢٢	٤٢١
ع ٢٤ ق رق	ع ٢٢ ق رظ	ع ٢٠ ص رخ	ع ١٨ ص رت
د ٢٤ زح ز	ج ٢٢ وزن	ب ٢٠ د وي	ا ١٨ ج ه ز
٤٢١	٤٢٧	٤٢٦	٤٢٥
ع ٢٤ ص رر	ع ٢٢ ق ش رق	ع ٢٠ ف ٨ ر ص	ع ١٨ ر ر
ح ٢٤ م م ل ل	ز ٢٢ ي ل ك ي	و ١٨ ي ح	ه ١٨ ط م
٤٢٢	٤٣١	٤٣٠	٤٢٩
ع ٢٤ ش ش	ع ٢٢ ط ث ش خ	ع ٢٠ ذ ص ش ث	ع ١٨ ث ص ر ش
ل ٢٤ ذ ر ف ث	ك ٢٢ ت ق ع ق	ع ٢٠ ق ر س ع	ط ١٨ ق م ن

٤٣٦	٤٣٥	٤٣٤	٤٣٣
ع ٢٤ ط ق ش ق	ع ٢٢ ز ق ش ص	ع ٢٠ ه ص ش ا	ع ١٨ ج ٨ ش ق
ع ٢٤ ط ق ش ق	ع ٢٢ و ص ر ف	س ٢٠ ج ع ق ا ظ	ن ١٨ غ ٨ ص ع
٤٣٠	٤٣٩	٤٣٨	٤٣٧
ع ٢٤ ف ص ث خ	ع ٢٢ ه ص ر ث ث	ع ٢٠ م ق ش ش	ع ١٨ ل ق ك ر
ر ٢٤ ث ب ض ع	ق ٢٢ ص ا ذ ذ	ص ٢٠ س ش ث ث	ف ١٨ ل ر ش ش
٤٣٤	٤٣٣	٤٣٢	٤٣١
ع ٢٤ ذ ص ذ ص	ع ٢٢ ث ص ص ل	ع ٢٠ ث ر ت ق	ع ١٨ ق ر ت ظ
خ ٢٤ ه ص ب ص	ح ٢٢ ب ذ ا ح	ث ٢٠ ط ص غ ذ	ت ١٨ خ ذ ظ م
٤٣١	٤٣٧	٤٣٦	٤٣٥
ع ٢٤ ه ق ث ث	ع ٢٢ ج ق ث ش	ع ٢٠ ا ص ر ث	ع ١٨ ط ص ث ق
غ ٢٤ ف ج ز و	خ ٢٢ ن ب ح د	ظ ٢٠ ل ج د ب	ص ١٨ ح ز ج غ

باب الفاء

٤٥٢	٤٥١	٤٥٠	٤٤٩	
ف ٢٣ ر ش ب ٢٢ ز ح ف ٢	ف ٢١ ر ش ح ٢٠ و ز ي ٢	ف ١٩ ط ش ث ١٨ و و ج ١٧ ت	ف ١٦ ط ش ث ١٥ ز ن ق ١٤ ك ط ه ج	ق ١
٤٥٦	٤٥٥	٤٥٤	٤٥٣	٤٥٢
ف ٢٤ ط ش ق ٢٣ ل ض ل م ٢٢	ف ٢٢ ط ش س ٢١ ف ك ل ٢٠ ج	ف ٢٧ ط ش ر ٢٦ ع ي ط ٢٥	ف ٢٥ ط ش ق ٢٤ س ط ن ٢٣	ف ٢٤
٤٦٠	٤٥٩	٤٥٨	٤٥٧	٤٥٦
ف ٢٤ ط ش ق ٢٣ ل ض ل م ٢٢	ف ٢٢ ط ش س ٢١ ف ك ل ٢٠ ج	ف ٢٧ ط ش ر ٢٦ ع ي ط ٢٥	ف ٢٥ ط ش ق ٢٤ س ط ن ٢٣	ف ٢٤
٤٦٤	٤٦٣	٤٦٢	٤٦١	٤٦٠
ف ٢٤ ط ش ق ٢٣ ل ض ل م ٢٢	ف ٢٢ ط ش س ٢١ ف ك ل ٢٠ ج	ف ٢٧ ط ش ر ٢٦ ع ي ط ٢٥	ف ٢٥ ط ش ق ٢٤ س ط ن ٢٣	ف ٢٤
٤٦٨	٤٦٧	٤٦٦	٤٦٥	٤٦٤
ف ٢٤ ط ش ق ٢٣ ل ض ل م ٢٢	ف ٢٢ ط ش س ٢١ ف ك ل ٢٠ ج	ف ٢٧ ط ش ر ٢٦ ع ي ط ٢٥	ف ٢٥ ط ش ق ٢٤ س ط ن ٢٣	ف ٢٤
٤٧٢	٤٧١	٤٧٠	٤٦٩	٤٦٨
ف ٢٤ ط ش ق ٢٣ ل ض ل م ٢٢	ف ٢٢ ط ش س ٢١ ف ك ل ٢٠ ج	ف ٢٧ ط ش ر ٢٦ ع ي ط ٢٥	ف ٢٥ ط ش ق ٢٤ س ط ن ٢٣	ف ٢٤
٤٧٦	٤٧٥	٤٧٤	٤٧٣	٤٧٢
ف ٢٤ ط ش ق ٢٣ ل ض ل م ٢٢	ف ٢٢ ط ش س ٢١ ف ك ل ٢٠ ج	ف ٢٧ ط ش ر ٢٦ ع ي ط ٢٥	ف ٢٥ ط ش ق ٢٤ س ط ن ٢٣	ف ٢٤
٤٨٠	٤٧٩	٤٧٨	٤٧٧	٤٧٦
ف ٢٤ ط ش ق ٢٣ ل ض ل م ٢٢	ف ٢٢ ط ش س ٢١ ف ك ل ٢٠ ج	ف ٢٧ ط ش ر ٢٦ ع ي ط ٢٥	ف ٢٥ ط ش ق ٢٤ س ط ن ٢٣	ف ٢٤

باب لسانی

۴۷۷	ص	ط ض ت ر	۴۷۸	ص	ل ض ت ج	۴۷۹	ص	م ش ت ج	۴۸۰	ص	۲۲ ش ت ر
۴۷۷	ا	ر ط ه ل	۴۷۸	ب	ث ی و س ج	۴۷۹	ج	ض و ز ع	۴۸۰	د	۲۲ ز ح و
۴۸۱	ص	۲ غ ت ش	۴۸۲	ص	۲ غ ت ت	۴۸۳	ص	ق ص ت ث	۴۸۴	ص	ش غ ت خ
۴۸۱	ه	۲ س ط ح	۴۸۲	و	۲ ع ی ی	۴۸۳	ز	ح س ل ل	۴۸۴	ح	ل ص ل ن
۴۸۵	ص	ث ت ت ن	۴۸۶	ص	ذ ت ث ل	۴۸۷	ص	ظ ر ث ج	۴۸۸	ص	أ ر ث ج
۴۸۵	ط	ن م م ع	۴۸۶	ی	ف ن س ش	۴۸۷	ل	ر م ع خ	۴۸۸	ل	ث ن ف ذ
۴۸۹	ص	ج غ ت ر	۴۹۰	ص	غ ت ش	۴۹۱	ص	غ ت ث	۴۹۲	ص	ط ش ث ث
۴۸۹	م	ض ت ص	۴۹۰	ن	ا خ ق ف	۴۹۱	س	د ذ ر ق	۴۹۲	ع	ز ض ش ش
۴۹۳	ص	ل ر ث خ	۴۹۴	ص	م ر ث ذ	۴۹۵	ص	س ت خ ا	۴۹۶	ص	ف ه خ ج
۴۹۳	ف	ی ق ت ث	۴۹۴	ص	م ر ث ذ	۴۹۵	ع	ش ذ ب	۴۹۶	ز	ق خ ص ه
۴۹۷	ص	ق ش خ ج	۴۹۸	ص	م ش خ ر	۴۹۹	ص	ث ش خ ش	۵۰۰	ص	ذ ش خ ت
۴۹۷	ش	ت خ ظ و	۴۹۸	ت	ذ غ خ	۴۹۹	ع	خ ا ص	۵۰۰	خ	ج ط ب غ
۵۰۱	ص	ظ ت خ ث	۵۰۲	ص	ا ت خ خ	۵۰۳	ص	ج ت خ ذ	۵۰۴	ص	ه ت ذ ش ا
۵۰۱	ذ	و ا ج ب	۵۰۲	ض	ط ب د د	۵۰۳	ظ	ل ط ه و	۵۰۴	ع	س ی ن ه

باب الفاف

٥٠٨	٥٠٧	٥٠٦	٥٠٥
م ظ خ ٧ ذ لك ح ٧	ق ج	ق ب	ط ت خ ق د و
٥١٢	٥١١	٥١٠	٥٠٩
ق ش ا خ ش ح ي ص م	ق ٢٧ ن ٢٧	ق ٢٥ و ٢٥	ق و
٥١٦	٥١٥	٥١٤	٥١٣
ق ل	ق ك	ق ك	ق ي
٥٢٠	٥١٩	٥١٨	٥١٧
ق ع	ق س	ق ن	ق ن
٥٢٤	٥٢٣	٥٢٢	٥٢١
ق ر	ق ق	ق ص	ق ص
٥٢٨	٥٢٧	٥٢٦	٥٢٥
ق خ	ق ث	ق ث	ق ث
٥٣٢	٥٣١	٥٣٠	٥٢٩
ق غ	ق ظ	ق ظ	ق ظ

باب السراء

٥٣٦		٥٣٥		٥٣٤		٥٣٣	
ر	س غ ف ت	ر	م غ خ هـ	ر	ك ت ذ هـ	ر	ط ب ك ذ هـ
د	ظ ل ط و	ج	خ ك ح هـ	ب	ش ل ز هـ	ب	ص ك و هـ
٥٣٠		٥٢٩		٥٢٨		٥٢٧	
ر	ش ب ذ خ	ر	ش ب ذ خ	ر	ق ب ذ هـ	ر	ف ب ذ ظ
ح	ط ص م ل	ز	ح ق ل س	و	هـ ع ك هـ	و	ب س ي ل
٥٢٦		٥٢٥		٥٢٤		٥٢٣	
ر	ا خ ض و	ر	ظ خ ض و	ر	ذ ت ض ع	ر	ث ت ذ هـ
ل	ش ع ص و	ل	ض س ف و	س	س ل ع ع	ي	ل ك ن ت
٥٢١		٥٢٠		٥١٩		٥١٨	
ر	ط ب ض غ	ر	ز ب ض هـ	ر	هـ ت ض ط	ر	ج و ض هـ
ع	هـ ض ت خ	س	ب ذ ش غ	س	ظ ف ر ش	ن	خ ت ق ك
٥١٦		٥١٥		٥١٤		٥١٣	
ر	ف ت ظ و	ر	س ت ظ ع	ر	م خ ض هـ	ر	ك ت ض خ
ر	ف ت ظ و	ر	ن ش ض ع	ق	ك ت خ ج	ص	ح ق ت ش

٥٥٦		٥٥٥		٥٥٤		٥٥٣	
ر	ذ ت ظ هـ	ر	ث ت ظ ط	ر	ش ب ظ ت	ر	ق ب ظ و
خ	ا ظ ج ط	خ	ث ض ب ب	خ	ث ا ت ذ	خ	ر ج ع و
٥٥٠		٥٤٩		٥٤٨		٥٤٧	
ر	هـ خ غ م	ر	ج خ ظ هـ	ر	ا ت ظ خ	ر	ظ ت ظ غ
م	م د ح م	غ	ي ج و ل	ظ	ض ز ع هـ ب	ر	د ظ د هـ

باب الثَّابِتِ

٥٦٤	٥٦٣	٥٦٢	٥٦١
ش س ر خ ض ط	ش م خ ض و	ش ل خ ض د	ش ط خ ض ١٧
ض ح ط	ث ك ح ع	ب ر ك ز م	ف د و ط
٥٦١	٥٦٧	٥٦٦	٥٦٥
ش ت ي م ك	ش س ر خ ض و	ش ق خ ض ح	ش ن خ ض ج
ح ي م ك	ز ك ل ص	و د ح ل ك	ا ط ي س
٥٧٢	٥٧١	٥٧٠	٥٦٩
ش ا ج ط خ و	ش ط ج ظ ١	ش ذ ج ظ ٧	ش ز ج ض و
ل ر ت ص ض ذ	ل ف ٩	ك ن ر ع ٧	م ق ن ت

٥٧٦	٥٧٥	٥٧٤	٥٧٣
ش ط خ ظ د	ش ز خ ظ ذ	ش ه ث ظ ج	ش ج ث ظ ض
د ر ت ظ	ع ا ق ش ق	س ض ع ر خ	ن ص ق ص م
٥١٠	٥٧٩	٥٧٨	٥٧٧
ش ف خ غ ٩	ش س خ غ ٧	ش م خ ظ و	ش ل خ ظ غ
ع ث ظ ٩	ر م ص ٧	ق ي م خ ج	ف ز ر ث خ
٥١٤	٥١٣	٥١٢	٥١١
ش ذ ذ غ ذ	ش ث ذ غ ج	ش ش ذ غ ط	ش ق ذ غ و
غ غ ج غ	خ ذ ط ب ه	ث ت ض ا ب	ش ق ذ غ و
٥١١	٥١٧	٥١٦	٥١٥
ش ه خ ا ٧	ش ج خ غ و	ش ا ض غ غ	ش ظ ه و غ د
ل ج ح ٧	ط و ل ج	ظ و ج ه ه	ج ب د ح

باب الفاء

٥٩٢	٥٩١	٥٩٠	٥٨٩
ت س ض ظ ح	ت م ض ظ ح	ت ل ظ ت خ ق ه ز د ج	ت ط ظ ظ ز ا ت ع ي و ن ا ب
٥٩٦	٥٩٥	٥٩٤	٥٩٣
ت ث ظ ظ ح	ت س ض ظ ح	ت ق ظ ظ ب ج ي ك ن ز	ت ف ظ ظ خ ع ي ح ز و

٦٠٠	٥٩٩	٥٩٨	٥٩٧
ت ا د غ ظ ق س ص ف	ت ا د خ ح ص ك ف م	ت ظ د غ ا س ر ع ا س	ت ذ د ظ ظ خ ل ق ن ك د
٦٠٤	٦٠٣	٦٠٢	٦٠١
ت ط ص غ خ ج ص س ق	ت ز ص غ خ ع ق س ش	ت ه خ غ خ ذ ع ر ع	ت ج خ غ خ ج ت س ق ح
٦٠٨	٦٠٧	٦٠٦	٦٠٥
ت ف د ا خ س ث ظ ا خ	ت س ذ ا ل س ض ا	ت م ذ غ خ ط ش خ ر	ت ك ذ غ ز و ر ث ب
٦١٢	٦١١	٦١٠	٦٠٩
ت ذ ض ا ب ظ غ ج ر	ت ث ض ا خ خ ظ ب ز	ت ش ض ا ج ش ض ا ج	ت ق ض ا ظ ص ذ غ ض
٦١٦	٦١٥	٦١٤	٦١٣
ت ه ظ ب ا ك ح	ت ج ظ ا خ ح ب و ا	ت ا ظ ا ب ه ج ه ظ ر	ت ظ ظ ا ظ ز ب ب د ص
٦٢٠	٦١٩	٦١٨	٦١٧

باب الثا

ط ظ غ خ	ث	ك ظ غ ب	ث	م ع ه	ث	س ج غ خ	
س ه و	ب	ص و ز ط	ج	ش خ ح م	د	خ ط ط و	ل
٦٢١	٦٢٢	٦٢٣	٦٢٤	٦٢٥	٦٢٦	٦٢٧	٦٢٨
ث ف ه غ خ	ث و	ث ب ك ق ز	ث ش ط غ ح	ث ح	ث ت ب غ خ	ث ج ه ا ه	ث ح ه ا ه
ظ ا ح ي ص ل	ب ك ق	ه ك ل ر	ح	ح	ح	ح	ح
٦٢٥	٦٢٦	٦٢٧	٦٢٨	٦٢٩	٦٣٠	٦٣١	٦٣٢
ث ذ ه غ خ	ث ي	ث ط ه ا غ	ث ك	ث ا ه ا ب	ث ف ش ف ا ص	ث ل	ث ج ه ا ه
ك ق ن	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق
٦٢٩	٦٣٠	٦٣١	٦٣٢	٦٣٣	٦٣٤	٦٣٥	٦٣٦
ث ذ ه ا ن	ث ن	ث ه ا ب	ث س	ث ز ه ا ح	ث ع	ث ط ظ ا ح	ث ب ص ت ا
ث ك ق س	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق
٦٣٣	٦٣٤	٦٣٥	٦٣٦	٦٣٧	٦٣٨	٦٣٩	٦٤٠
ث ك ق ا ن	ث ص	ث م ع ا ح	ث ق	ث س ض ب غ	ث ر	ث ف ص ب ب	ث ن ت ظ ا
ظ ا ح ي	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق
٦٣٧	٦٣٨	٦٣٩	٦٤٠	٦٤١	٦٤٢	٦٤٣	٦٤٤
ث ق ظ ب ه	ث ت	ث ش ط ب ن	ث ت	ث ط ب ب	ث خ	ث ز ظ ب ح	ث ح
ث ف ذ غ ج	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق
٦٤١	٦٤٢	٦٤٣	٦٤٤	٦٤٥	٦٤٦	٦٤٧	٦٤٨
ث ط ب ح	ث ذ	ث ظ ض ب ح	ث ض	ث ا ض ب ن	ث ظ	ث ج غ ب ص	ث ز د و ب
ظ ا ح ي	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق	ب ك ق
٦٤٨	٦٤٩	٦٥٠	٦٥١	٦٥٢	٦٥٣	٦٥٤	٦٥٥
ث غ	ث ه	ث ج	ث ع	ث ح	ث خ	ث د	ث ذ
ث و	ث ب	ث ك	ث ق	ث ز	ث ط	ث ظ	ث ا

باب الحاء

٦٤٨	٦٤٧	٦٤٦	٦٤٥	٦٤٤	٦٤٣
سظا د ثظا ل	م داغ ر ح ح ج	ك ظا ط ف ه ز س	خ ن ه و خ ل ب	خ ن ه و خ ل ب	خ ن ه و خ ل ب
٦٥٢	٦٥١	٦٥٠	٦٤٩	٦٤٨	٦٤٧
ث نج اظ = ز ك م ك ه	س ح ا ض د ط ل ه	ق ط ا ط ا ط ك ق	خ ض ح و ح ص	خ ض ح و ح ص	خ ض ح و ح ص
٦٥٤	٦٥٣	٦٥٢	٦٥١	٦٥٠	٦٤٩
ج و ب غ ق ت ص ع	ا و ب ط ع ش ف خ	ظ ا ب ص م م ع ل	خ ي	خ ي	خ ي
٦٦٠	٦٥٩	٦٥٨	٦٥٧	٦٥٦	٦٥٥
ط ض ب ض ا ص ت ص	ط ض ب ط ع ف ش ع	خ س	خ ن	خ ن	خ ن
٦٦٢	٦٦١	٦٦٠	٦٥٩	٦٥٨	٦٥٧
ف ظ ج ط م ث ظ ه	س ظ ج ز ي ت ص ب	م ط ب غ ز ش خ ت	خ ص	خ ص	خ ص
٦٦٨	٦٦٧	٦٦٦	٦٦٥	٦٦٤	٦٦٣
ذ غ ج ط ذ غ ج ط	ث غ ج ط ت ظ ب ح	س غ ج د ق ص ا ب	خ ت	خ ت	خ ت
٦٧٢	٦٧١	٦٧٠	٦٦٩	٦٦٨	٦٦٧
م ا د ه ز ط ه ح ب ك	ج ا ج غ و د و ج	ا ط ج ظ ج ب ه ا	خ ص	خ ص	خ ص

باب الثاني

٦٧٤	٦٧٤	٦٧٤	٦٧٤	٦٧٤
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ط غ ب هي	ط غ ب هي	ط غ ب هي	ط غ ب هي	ط غ ب هي
م د و ز ه ب	م د و ز ه ب	م د و ز ه ب	م د و ز ه ب	م د و ز ه ب
٦٧٥	٦٧٥	٦٧٥	٦٧٥	٦٧٥
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ف ز ب ي	ف ز ب ي	ف ز ب ي	ف ز ب ي	ف ز ب ي
ذ س ي ص و	ذ س ي ص و	ذ س ي ص و	ذ س ي ص و	ذ س ي ص و
٦٧٦	٦٧٦	٦٧٦	٦٧٦	٦٧٦
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ظ ط ب ج	ظ ط ب ج	ظ ط ب ج	ظ ط ب ج	ظ ط ب ج
ط ك ن من	ط ك ن من	ط ك ن من	ط ك ن من	ط ك ن من
٦٧٧	٦٧٧	٦٧٧	٦٧٧	٦٧٧
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ه غ ج غ	ه غ ج غ	ه غ ج غ	ه غ ج غ	ه غ ج غ
م ش ع ق ع	م ش ع ق ع	م ش ع ق ع	م ش ع ق ع	م ش ع ق ع
٦٧٨	٦٧٨	٦٧٨	٦٧٨	٦٧٨
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
م ا ج ب	م ا ج ب	م ا ج ب	م ا ج ب	م ا ج ب
ه ش ث ش ص	ه ش ث ش ص	ه ش ث ش ص	ه ش ث ش ص	ه ش ث ش ص
٦٧٩	٦٧٩	٦٧٩	٦٧٩	٦٧٩
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ق ب د ح	ق ب د ح	ق ب د ح	ق ب د ح	ق ب د ح
س ش غ د	س ش غ د	س ش غ د	س ش غ د	س ش غ د
٦٨٠	٦٨٠	٦٨٠	٦٨٠	٦٨٠
ذ	ذ	ذ	ذ	ذ
ظ ج د ه	ظ ج د ه	ظ ج د ه	ظ ج د ه	ظ ج د ه
ل ي خ ط غ	ل ي خ ط غ	ل ي خ ط غ	ل ي خ ط غ	ل ي خ ط غ

رَبَابُ الصَّنَائِ

۷۰۴	ض	۷۰۴	ض	۷۰۳	ض	۷۰۱	ض
س ج ج ل ش ط ط ف	ص	م ج ج ه ص ح ح ی	ج	ك ا ج ب س ه ز و	ب	ط ا ج ع ل د و ع	ا
۷۰۸	ض	۷۰۷	ض	۷۰۶	ض	۷۰۵	ض
ث ح ج ه ه ص م م	ح	ث ح ج ه ب ف ل ك	ز	ق ح ج ا ظ ع ك ط	و	ف ع ج ع خ ز ی ه	ه
۷۱۲	ض	۷۱۱	ض	۷۱۰	ض	۷۰۹	ض
ج غ د ه ف ن ص ق	ل	ا غ د ب ن م ف س	ك	ظ غ د ع ك ل ع ه	ی	ذ ع ج ه ح ك ن ع	ط
۷۱۶	ض	۷۱۵	ض	۷۱۴	ض	۷۱۳	ض
ل ح د ب ا ص ت ر	ع	ط ح د ا ض ذ ش ص	س	ز ا د ع ث ف ر ع	ن	ه ا د ل ر ع ق ص	م
۷۲۵	ض	۷۱۹	ض	۷۱۸	ض	۷۱۷	ض
ف غ ه ب ك ت ظ خ	ر	ف غ ه ع ی م ض ش	ق	س ب د ه ز ت خ خ	ص	م ب د ج د ش ث ت	ف
۷۲۴	ض	۷۲۳	ض	۷۲۲	ض	۷۲۱	ض
ذ ف ه ل ث ط ج ط	خ	ث ا ه غ ر ع ب ن	ث	ش ج ه ل ف د ظ ا ز	ت	ق ج ه ه ن ص غ غ	ش
۷۲۸	ض	۷۲۷	ض	۷۲۶	ض	۷۲۵	ض
ه پ و ع ز و ح ب	ع	ج ب ه د و ه و ه	ظ	ا د ه ج ا د ه ج	ض	ظ د ه ب ز ص ج د ا	ز

باب الظاء

٧٣٣	ظ	٧٣٤	ظ	٧٣٥	ظ	٧٣٦	ظ
س ب د هـ ا ر ن ط ط و	ظ	م د د ل ف ح ح ع	ظ	ل د د ل ن ز ب ك	ظ	ط د د ي ك و و ل	ظ
٧٣٤	ظ	٧٣٥	ظ	٧٣٦	ظ	٧٣٧	ظ
ث ط ي هـ د ص م ن	ظ	س ط د د ا ف ل ل	ظ	ق ط د د ض ع ك ك	ظ	ف ط د د ث س ي ي	ظ
٧٣٥	ظ	٧٣٦	ظ	٧٣٧	ظ	٧٣٨	ظ
ج ا هـ ل ع ن ص ص	ظ	ا ا هـ ل م ف خ	ظ	ظ ا هـ ي ي ل ع ش	ظ	ز ا د هـ ز ك ن ع	ظ
٧٣٦	ظ	٧٣٧	ظ	٧٣٨	ظ	٧٣٩	ظ
ل ب م د غ ق ش	ظ	ط ب هـ ج ز ص ش ق	ظ	ز ب هـ ب ت ف ر ف	ظ	هـ ط م ا ق ث ق س	ظ
٧٣٨	ظ	٧٣٩	ظ	٧٤٠	ظ	٧٤١	ظ
ق ج و ا ل خ ظ د	ظ	ف ج و ي ط ث ص ب	ظ	س ا هـ و و ر خ ز	ظ	م هـ هـ هـ ج ح ث ث	ظ
٧٤١	ظ	٧٤٢	ظ	٧٤٣	ظ	٧٤٤	ظ
ذ د و ج ت ا ج ع	ظ	ث د و ب ع ب ض خ	ظ	س ش و ا ع خ ط ا ح	ظ	س ش و ل س ي ع و	ظ
٧٤٢	ظ	٧٤٣	ظ	٧٤٤	ظ	٧٤٥	ظ
هـ م ز ي و و ح ل	ظ	ج م و و ج م و و	ظ	ا خ و م غ ي هـ هـ	ظ	ظ ح و د ز هـ د ب	ظ

بَابُ الْغَبْنِ

٧٥٦	٧٥٩	٧٥٨	٧٥٧	ع
س ج و ل	م ج و ي	ك ه و ع	ط ه و ه	ع
ق ز ي	ع و ط م	م ز ح ع	ي و ز ه	ب
٧٦٤	٧٦٣	٧٦٢	٧٦١	ع
ث ي و س	ث ي و ط	ق ي و م	ف ي و ه	ع
ج ص ن ي	ع ف ن ح	ذ ع ل ف	ت س ك ي	و
٧٦٨	٧٦٧	٧٦٦	٧٦٥	ع
ج ب ز	ا ب ز ع	ظ ب ز ه	ز ب و ك	ع
س ن ق	ل م ص ع	ط ل ف ك	و ك س م	ي
٧٧٢	٧٧١	٧٧٠	٧٦٩	ع
ك ج ز ه	ط ج ز ك	ز ح ز ه	ه ح ز ه	ع
ظ ق ث	خ ص ت ض ع	ش ث ش س	ص ع ر ض	ن
٧٧٤	٧٧٣	٧٧٢	٧٧١	ع
ق د ح ع	ف د ح ع	س د ز ك	م ب ز ج	ع
ك خ غ	ح ث ظ ر	ه ت ذ ث	ب ث خ ت	ص
٧٨٦	٧٨٩	٧٨٨	٧٨٧	ع
ز ه ح ك	ذ ح ح ه	ث ج ه	س ح ح	ع
ش ا د ن	ر ض ج ع	ف ظ ب	ن ح ا	ت
٧٨٤	٧٨٣	٧٨٢	٧٨١	ع
ه و ط ٢	ج و ح ك	ا و ح ب	ظ و ح و	ع
ه و ط ٢	ب ه ز ي	ظ	خ ج ه ج	ع

توضیح بعد از توضیح

پیوست با پنجه در مقدمه گذشت برای اینکه خوب روشن شود و در وقت عمل سرگردان
نمایی بدانکه بعد از گرفتن حروف سؤال بعدد کبیر جمعی که از آن بقیه میشود برقم حروف
عدد حروف سؤال را با بعدد کبیر جمع کن حاصل جمع مدخل کبیر گفته میشود بعد از آن حروف
سؤال و جمع رقم را تنزل بده و این تنزل عدد در رقم را عدد مدخل صغیر بنمایند

و بعد از آن عدد هر باب از ارقام حروف را بدون عدد مدخل رقم حروف
بیکم شبه ترقی بده لکن رقمها بنکه در مدخل صغیر تنزل داده ای بحالت قبل
از تنزل باقی گذار یعنی اگر ثبات بوده بحالت ثباتی قبل و اگر عشرات بوده
بحالت عشراتی قبل که بوده آنها را هر کدام ترقی بده و اگر رقمی است که قابل
تنزل نباشد مانند الف ترقی بده آنرا و عدد آن که بکست ده حساب کن بعد
آن مدخل عدد صغیر را با مدخل عدد وسط جمع کن حاصل جمع ایندو را مدخل
کبیر بنمایند بعبارة دیگر وسط عددی است که بیکم شبه تنزل داده باشی عدد ارقام
حروف را وسطی از عدد تنزل بنویسی بدون تنزل دادن عدد رقم مدخل حروف
و حاصل جمع همان اعداد را که مدخل صغیر است بدون رقم تنزل حروف بیکم شبه ترقی
بدی محتاج بطرح جدا گانه نیست

نکته دیگر اگر در آخر حروف مستنطقه بعد از مدخل سه حرف مانند و حرف
سوم بنهای مانند بدون اینکه اتصال بحرف دیگر پیدا کند باید حرف سوم را
با حرف دوم از سه حرف باقی مانده با اتصال اربعه مستغفیه بگیری چنانچه اهل فن
باین نحو عمل کرده اند

نکته دیگر اگر عدد طرح اتصال کلی قابل طرح درجی نباشد بطرح بروجی بر
مانند اتصال ن و ب مثلا و همچنین ز و ع و در وقت محصله گرفتن از حضا
حرف مستغفیه پس از آنکه بطرح منازلی بر دی همان عدد طرح شده یعنی بد طرح

با یک طرح که از اتصال کلی طرح شده و قابل طرح منازلی نبوده بر بقیه عدد
مستخضر علاوه کن و بطرح منازلی بر چنانچه در اتصال زودع این احتیاج
را پیدا میکنی

نکته دیگر در جائیکه محتاج بنلافی است اولاً عدد چهار حرف مستخضر را باید
گرفت و بطرح منازلی برد پس آنچه بعد از طرح باقی ماند عدد طرح را بر این
عدد باقی بفرز و نلافی کن

نکته دیگر که تجربه شده در اتصال مخالف عنصري عدد توالی الحرف را اولاً
و عدد عدم توالی آنرا ثانیاً اگر بطرح نرسید نعم المطلوب و اگر نرسید
عدد توالی و عدم توالی هر دو را با هم جمع میکنیم و بطرح افلاکی میبریم و اگر با
بطرح نرفت بسا بر طروح که در اینجا مقصود است از طرح کوکبی یا عنصري یا هما
عدد بیکه حاصل شده حرف آنرا بگیر و بعد از مستخضر هنگام مستخضر گرفتن
نلافی آن طرح فوت شده را بنما

نکته دیگر در اتصال مخالف عنصري اگر بتوالی بر دی و طرح کردی بفاعد
جواب ناطق نشد از عدد توالی و عدم توالی هر دو جمع کن اگر بطرح نرسید
طرح کن و اگر بطرح نرسید از همان عدد حرف بگیر و بعد در وقت مستخضر
گرفتن نلافی کن که ناطق شود در هر حال ملاحظه نطق را باید کرد
نکته دیگر اگر عدد دو حرف مخالف بطرح فلکی رفت و ناطق نشد بعد از تمامیت

مستحصله بطرح هفت که طرح کوکی است بر و نلافی کن در هر سمتی که مابه التفاوت
دارد و اگر باز ناطق نشد هر عدد بیکه از همین عنصر مخالف و لو کمتر از هفت هم
باشد جمع باید کرد و حرف گرفت و در مستحصله گرفتن نلافی کن و از مطلوب
سپرده ناطق شود

نکته دیگر اگر در دو حرف اتصال از هر یک از چهار حرف دو نلافی لازم
داشته باشد میتوانی یک نلافی در این چهار حرف قرار دهی و یک نلافی در
چهار حرف دوم ناطق شود

نکته دیگر اگر عدد مابه التفاوت از یکمیت باشد انرا اخذ باید کرد و اگر
ندارد دارد ندارد میکنی و از آن حرفیکه تفاوت دارد بقیه مابه التفاوت را
همان عدد از حرف مطلوب سپرده می مستحصله از مطلوب میگیری چنانچه
مثلا اگر از اتصال پیدا کرد و همچنان هر دو حرفیکه مثل این دو حرف باشد
در آن همین عمل را باید بکنی

نکته دیگر در جمع اتصال عنصری موافق و مخالف فاعداست که اگر عدد
مرتبه دو حرف قابل طرح دیگر است از کوکی با عنصری بطرح دیگر باید برد و الا
عدد و ما قبل با ما بعد را علاوه کن و بطرح ببر و در مستحصله نلافی کن
نکته دیگر اگر در اتصال احاد و قنات با احاد و الف از هر دو سمت مابه التفاوت
نداشته باشد و از یکمیت داشته باشد همان یکمیت را میگیریم مانند ذوز

وامثال آن و علاوه میکنیم و اگر هیچ تفاوتی ندارد از هم همان را میگیریم
نکته دیگر گاهی اتفاق می افتد من غیر غالب که در اتصال احاد و مئات در صورت
اتصال مراتب جملی بعد از اضافه مابه التفاوت اگر داشته باشند در آخر طرح
از مستحضره باید از آخره مطلوب احاد شروع در شمردن نمائیم محصله بگیریم مثلاً
مانند ت و ط که موافق در طبع با هم و اگر دو حرف ضد و نقیض باشند مانند
د و ش و خ و زان خلاف این فاعله باید رفتار شود

نکته دیگر هرگاه در حرفیکه با هم متصل شدند مانند ز و ع باشد که عدد
اتصال عنصری ز و ع شش عدد است و قابل طرح افلاکی نیست باید هفت عدد
ما قبل ز و ع را گرفت و بعد عنصری ز و ع افزود تا جمعا سیزده شود پس
نه از آنرا طرح میکنیم چهار باقی میماند حرف از را میگیریم و در محصله نلافه میکنیم
با این کیفیت که عدد مطلوب ع ۱۰ میشود نلافه اتصال عنصری که هفت عدد از
ما قبل آن گرفتهیم و طرح کردیم این هفت عدد طرح شده را بر عدد حاصل مطلوب
ع ۱۰ که ۱۰ است اضافه میکنیم مجموعاً ۲۳ عدد میشود پس از همان خانه ۲۳ محصله
میگیریم نلافه هفت عدد بکه فرض کردیم از ما قبل ز و ع با این کیفیت در وقت
محصله گرفتن اداء میکنیم و محصله میگیریم

نکته دیگر که تجربه رسیده اگر عدد مستحضره از بیست هشت کمتر باشد مانند مستحضره
ع و ط که از ۲۱ میشود و جواب ناقص نمیشود البته در ظروف باید تعبیر بدی

و تصرف اسناد آنرا کنی تا ناطق شود و در ص ذ که عدد مشخصه از ۲۸ کمتر
است همان عدد بیست و هشت را باید بمطابق بیاوری احتیاج بطرح افلاکی
و کوکی نیست و عدد کوکی را نباید علاوه کرد فقط همان عدد ۲۸ را بجز
هر چند بطرح منازلی نرفته برخلاف فاعده برای مناسبت تحقق

نکته دیگر اگر عدد مشخصه معادل یک طرح منازلی نباشد که ۲۸ باشد و با
عدد طرح کوکی باشد یعنی طرح افلاکی فوت شده باشد آن عدد کوکی
نباید بیست و هشت علاوه کرد بلکه همان عدد بیست و هشت فقط را بطرح
ببر بدون علاوه کردن عدد کوکی تا تلاقی شود چنانچه در مستحصله گرفتن از
عدد مشخصه می وی این عمل لازم میشود

نکته دیگر در اتصال مراتب جمعی اگر عدد در دو قابل طرح بروی نباشد عدد
ما قبل را بر آن مضاف کنیم گرچه عدد ما قبلش بعد از طرح همان ۱۳ بماند مانند
حرف ط و در ایض که ما قبل ۳۶ است ۳۷ که ۱۴ طرح کنیم همین ۱۴ بماند
و این فاعده در اتصال غ و ظ هم جاری است نه اینکه بگوئیم حال که عدد ما
قبل بعد از طرح بروی نمیماند پس عدد خود را و حرف را بدون عدد
ما قبل بطرح دیگری ببریم و همچنین است در اتصال دو حرف عنبری

نکته دیگر در اتصال دو حرف م و ی که فاعله طرح بروچی و افلاکی که فاعله
کلبه است بهم میخورد و ثقت مستحضر گرفته که باید نداشت شود چون در هر دو
اتصال طرح کوکی حاصل میشود یعنی بدو طرح کوکی میرود بک طرح کوکی بر
حاصل طرح عدد مطلوب هر دو باید افزوده نه دو طرح

نکته دیگر در حروف مستحضر اگر محتاج باشم بتلافی درجی مثلا وعدا اتصال
مراتب جمعی هر دو وعد در حروف مستحضر ۲۴ باشد مثلا و قابل تلافی نباشد
میتوانی همان عدد ۲۴ را بدون تلافی و طرح حرف بگیری ناطق میشود

نکته دیگر در اتصال مراتب جمعی عشرات باحاد چون اتصال ن و ب اگر قابل
طرح نباشد بهر طرح که فاعله کلبه تفاضا دارد میبریم یعنی پیش از علاوه کردن
عدد ماقبل آن حرف اگر قابل این هست که بطرح دیگر ببریم میبریم و اگر قابل
نیست عدد حرف ماقبل را میافزایم و بطرح میبریم و اگر ماقبل ندارد عدد ما
بعدش را یعنی همه ما بعد که ۲۴ است چنانچه در اتصال عنصری اسفل میشود در
این اتصال هم میبریم و به آن میافزایم چون در اتصال عنصری فاعله این بود که
اگر عددین دو حرف قابل طرح نباشد و ماقبل هم نداشته باشد یا داشته باشد و یا
قابل طرح نباشد عدد ما بعد را بر او میافزایم تا قابل طرح شود و بعد تلافی میکنیم
در این اتصال جمعی هم همین عمل را باید انجام داد چنانچه در ب ب در جدول
گذشت

نکته دیگر در اتصال قات و عشرات که عدد مطلوب قابل طرح منازلی باشد
 چون ض و ص که عدد مطلوب ض ۱۹ است و قابل طرح منازلی نیست و هیچ
 طرحی برده نمیشود همان عدد را باید نگاه داشت و عدد مطلوب ص را باید
 بطرح منازلی برد حاصل طرح پنج میباشد و آن فرد است و عدد ۱۹ هم فرد است
 و عدد ۱۹ بیشتر از آن است و بطرح نرفته لذا مسئله هر دو را از عدد مطلوب
 ض میگیریم

نکته دیگر بعد از نظیره ایجادی گرفتن سطر مستحله سطر آخر که سطر جواب است
 منصوب و مقلوب خوانده میشود صدر و مؤخر نمیشود یعنی از حرف اول طرف
 راست یک حرف نه یک حرف تا آخر سطر حرف گرفته میشود و بعد از آخر سطر یک حرف
 یک حرف گرفته میشود جواب فاطمه واضح داده میشود بهر زبانی که سؤال شده از
 عرب یا فارسی یا ترکی یا هندی یا رومی و غیر اینها

مخفی نماند بر خواننده اگر اهل اضاف باشد پوشیده نخواهد ماند که تاکنون احد
 از اهل این فن این فاعده شریفه که فاعده جعفر جامع و نور لامع است این روشنی و
 واضحی بدون هیچگونه رمزی نوشته و پرده بر نداشته است که این بنده شرمند فانی
 حسن میرجهانی طباطبائی محمدابادی جرقوئی اصفهانی دفاه الله عن التوائی خیر برده
 و رمز نوشته ام و ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم و امیدوار
 که خواننده و داننده و فائده برنده این رساله گنه کار را از دعا خیر فراموش نفرماید

انرا طرح میکنم نه باقی میباشد از حرف کاف که حرف اخر چهار حرف مستخضره است
در دایره ابجد نه حرف می شماریم بحرف ش می رسد الحرف مستخضره حرف ظ است
پس مستخضره غ در دایره ابجد حرف ث و مستخضره ط در همان دایره حرف ث است
پس بدان در هر کجا که حرف ظ با غ اتصال کرد مستخضره غ ث و مستخضره ط ث است
این در صورتی است که غ مقدم بر ظ باشد و اما اگر ظ مقدم بر غ شد حکم فرق
میکند برای اینکه خوب بفهمی و اشتباه نکنی مستخضره ط و غ را که عکس مستخضره غ و ط
است بیان میکنم تا خوب مطلب واضح شود بدانکه هر کجا ظ با غ متصل شد بخ
ظ مقدم بر غ شد مستخضره ط ه ه ی ی و مستخضره غ و و ح ح
می شود چهار حرف مستخضره غ حاصل جمیع در دایره ابجد چهل میشود بر حسب عده
کلیه انرا بطرح منازلی می رسم دو ایزده باقی میباشد از حرف کاف که اخر چهار حرف
مستخضره غ است در دایره ابجد دوازده حرف می شماریم بحرف خ می رسد که آن مستخضره
حرف ظ میشود پس عدد چهار حرف مستخضره حرف ظ را نیز بحساب ابجد می جمع میکنم
بیت هفت میشود چون قابل طرح منازلی نیست و ناچاریم از طرح انرا طرح بروی
یعنی ۱۲ طرح میکنم سه باقی میباشد از بعد حرف ی که چهارم حرف مستخضره ط
است در دایره ابجد سه حرف می شماریم حرف چهارم که ن است مستخضره غ است
و بر همین بناس است مستخضره گرفتن هر دو حرف که با هم اتصال پیدا میکند

تجسیر

هرگاه دو حرف مماثل با هم متصل شد چهار حرف مستحضر هر دو نیز مماثل است بدون کم و زیاد و دو حرف مستحضر هر دو نیز مماثل است هیچ وجه تفاوت ندارد مثلا اگر عین با عین متصل شد چهار حرف مستحضر هر کدام ط ق ی ش ق است بدون اختلاف که برای مستحضر گرفتن این چهار حرف را باجد کسر عدد دیگریم حاصل جمع آن پانصد و نه میشود بطرح منازلی میسریم پنج عدد باقی میماند از خانه فاف که حرف چهارم است در دایره اجد پنج حرف میساریم حرف ششم که ذ است مستحضر هر کدام میشود باقی حرف مماثل را همین نحو قیاس کن بی هر کدام از دو حرف مماثلی که در وقت گرفتن مستحضر بطرح و حکم باید برود و نرفته وقت مستحضر گرفتن تلاقی طرحیانی که نرفته باید بشود و بعد از آن مستحضر گرفته شود

انکال

مستحضر هر دو حرفیکه با هم متصل شد از دو حال بیرون نیست یا در وقت مستحضر گرفتن تلاقی دارد بواسطه طرحی یا طرحهایی که باید برود و نرفته بعلت قابل طرح نبودن یا آنکه طبق قاعده بطرحیکه باید برود نرفته و تلاقی ندارد باید عامل منوجیه باشد که کدام یک از این دو قسمت است اگر احتیاج بتلاقی ندارد و میخواهد مستحضر دو حرف متصل را بگیرد قاعده اینست که اول چهار حرف مستحضر حرف دوم را بجد اجد کسر جمع کند و ۴۱ ۴۱ حاصل جمع را طرح کند آنچه باقیماند نظر کند که حرف آخر این چهار حرف چه حرفی است از بعد از آن حرف در دایره اجد حرف بشمارد ببیند که چه حرفی است همان حرف مستحضر است و باید در زیر حرف کناری آن بنویسد.